

سرخسرد

سخن سردبیر

الاهی باشیم

تاریخ بشریت، نهضت‌ها و قیام‌های بسیاری را به خود دیده است؛ نهضت‌هایی که به بهانه‌های مختلفی چون تعصبات قبیله‌ای، مذهبی و حرص و آز گستره قلمرو خاکی رخ داد و در آن، چهره سیاه سبعت و توحش، انسانیت را قربانی نمود که امروز برای شنیدن و آگاهی از آنها باید کتاب‌های تاریخ را تورق نمود.

برگ‌های تاریخ که ورق می‌خورد، هزارسال پیش در بیابان بی‌آب و علفی در صحرای کربلا، در منطقه‌ی وسیع عراق، حماسه‌ای شورانگیز رقم خورد که امروز زوایای آن را نه در کتاب‌های خاک‌خورده تاریخی، که در قلب میلیون‌ها انسان باید جست‌وجو کرد. عاشورا زنده است به مثابه واقعه‌ای در جریان.

رمز مانایی عاشورا، نه جنایت‌های یزید است و نه مصیبت‌های حسین و یارانش که تاریخ، سبعت‌های بسیار را گزارش کرده است و خون انسان‌های بیشماری، بی‌گناه، زمین را تبار و نمدار کرده است.

رمز مانایی عاشورا، تبلور روح الاهی یک انسان است در سخت‌ترین مصاف زندگی یعنی مرگ و زندگی؛ انسانی که مصداق آتم مقام خلیفه‌اللهی است، الاهی مهر می‌ورزد؛ الاهی خشمگین می‌شود؛ الاهی می‌بخشد؛ الاهی می‌تازد و شمشیر برمی‌کشد و در انتها الاهی می‌میرد و این‌گونه تا ابد جاودانه می‌ماند.

الاهی باشیم...

فهرست مطالب

سر مقاله / الاهی باشیم	۱
مقاله / سقط جنین واصل انسانیت کانت	۴
سلامت باشیم / آشنایی با علل و عوامل کم خونی و راه‌های درمان آن در طب سنتی	۱۷
گفتگو / عمل به آموخته‌های بهترین راهکار برای توانمند شدن بانوان در عرصه‌های زندگی است	۲۲
معرفی کتاب / قلعه و قلندر	۲۸
انرژی مثبت / کلیدهای طلایی برای داشتن شخصیت مثبت	۳۰
بانو کده / طرز تهیه ایران شوربا، غذای لذیذ استان زنجان	۳۲
گفتگو / با تربیت مبلغین خواهرمی توان در کاهش آسیب‌های خانوادگی گام اساسی برداشت	۳۳
دلنوشته / بسم رب الحسین	۳۶
سخنی از مدیر / جریان عاشورا نماد رسیدن از شور به شعور	۳۸
داستان / نبروزهای موصل	۳۹
احکام / حکم قمه زنی از نظر مراجع عظام تقلید	۴۰
فناوری / عصر جدید، عصر فناوری های ارتباطی	۴۲
اخبار / اخبار معاونت های آموزش، پژوهش و فرهنگی	۴۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی فرهنگی آفاق اندیشه



شماره ۲ - تابستان ۹۸



صاحب امتیاز: مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س)

مدیر مسئول: زینب طالبی

سردبیر: زهره رنجبر

مدیر اجرایی و هماهنگی: زهره عزیزی

صفحه آرایی: مریم کلایی

همکاری با ما

نشریه آفاق اندیشه از آثار و مقالات شما استقبال می کند. نشریه در ویرایش و تلخیص مطالب، آزاد است. مطالب نشریه صرفاً بیانگر دیدگاه نویسندگان مقالات و مطالب است. مقالات و مطالب خود را به این ایمیل ارسال کنید. modaresqom.farhangi@gmail.com
انتقادات و پیشنهادات خود را با ما در میان بگذارید. شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۳۸

سقط جنین و اصل انسانیت کانت

مهناز سلمانی
علیرضا آل بویه

چکیده

در باره سقط جنین از منظر اخلاقی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از این دیدگاه‌ها، بررسی سقط جنین از منظر وظیفه‌گرایی اخلاقی است. ایمانوئل کانت از جمله برجسته‌ترین فیلسوفان اخلاقی است که قواعد کلی اخلاق را بر مبنای وظیفه‌گرایی مطرح می‌کند. وی اوامر را بر دو نوع مشروط و مطلق تقسیم کرده، معتقد است احکام اخلاقی باید بدون قید و شرط باشند، از این رو امر مشروط را امری اخلاقی نمی‌داند. وی امر مطلق را امری برمی‌شمرد که بر طبق آن، مردم باید بر اساس آیینی رفتار کنند که بخواهند آن آیین قانونی عام باشد. کانت این اصل را به تقریرهای مختلفی بیان کرده، و تقریر دوم آن را اصل انسانیت می‌نامد که عبارت است از: «بر اساس آن آیینی عمل کن که انسانیت را (چه در خود و چه در دیگری) به عنوان غایت تلقی کنی نه صرفاً به عنوان وسیله». در واقع کانت، با وجود اینکه در بحث‌های اخلاق کاربردی، یا ورود نداشته و یا حضور کمتری داشته است، با این حال فیلسوفان کانتی کوشیده‌اند بر اساس اصول و قواعد برگرفته از دیدگاه وی، حکم اخلاقی موارد خاص مربوط به اخلاق کاربردی را بدست آورند. مسأله سقط جنین و استدلال‌های وارده بر آن، به عنوان یکی از چالش برانگیزترین موضوعات اخلاق کاربردی، از جمله موضوعاتی است که فیلسوفان کانتی آن را مورد تبیین قرار داده، در پی استخراج حکم ویژه آن، بر اساس قواعد کانت برآمده‌اند. مقاله حاضر بر آن است این مسأله را بر اساس تقریر دوم امر مطلق کانت (اصل انسانیت)، و نیز بحث‌هایی که فیلسوفان کانتی اجمالاً در این مورد داشته‌اند، تبیین و نقد کرده، در نهایت مشخص کند که اگر جنین، انسان تلقی شود، غایت به شمار آمده ارزش می‌یابد و سقط آن، عملی غیر اخلاقی خواهد بود. در غیر این صورت، به عنوان وسیله‌ای تلقی می‌شود که در خدمت اهداف انسان باشد.

کلید واژه‌ها: سقط جنین، کانت، امر مطلق، اصل انسانیت، جنین، غایت

این قاعده را امر مطلق می نامد که تنها امر اخلاقی مورد تأیید ایشان است که می توان از آن به عنوان معیار تعیین ارزش اخلاقی اعمال استفاده کرد. کانت از این قاعده تقریرهای سه گانه ای ارائه می دهد که افراد براساس آن ها، بر مسائل و مشکلات اخلاقی خود فائق آیند (همان، ۱۹۵-۱۹۶).

مشکل تشخیص حکم اخلاقی مسأله سقط جنین، بحثی است که این مقاله در صدد بررسی آن بر اساس تقریر دوم (اصل انسانیت) از امر مطلق کانت است تا روشن شود که آیا با توجه به تقریری که کانت از امر مطلق ارائه می دهد،

سقط جنین به لحاظ اخلاقی مجاز است یا خیر؟

امر مطلق

هر کدام از فیلسوفان اخلاق، قواعد اخلاقی را بنا بر مبنایی مطرح می کنند و افعال انسان ها را بر اساس آن، مورد بررسی قرار داده و بر آن افعال حکم ویژه ای صادر می کنند. برای مثال برخی قواعد اخلاقی را بر مبنای غایت، برخی وظیفه و برخی بر مبنای دیگر می دانند.

کانت، فیلسوف برجسته ای اخلاق، قواعد اخلاقی را بر مبنای وظیفه گرایی مطرح کرده، تمرکزش را به جای نتیجه، بر فعل می برد. وی این قواعد را طوری مطرح می کند که به صورت قانون کلی، مورد تبعیت همگان قرار گیرد و مفهوم کلی قانون را حکم و فرمانی می داند که بصورت امر یا دستور بر اراده انسان تحمیل شده و می بایست از آن پیروی کرد (پالمر، ۱۳۸۹، ۱۹۵-۱۹۶).

مباحث مربوط به اصل حیات انسان، استمرار و پایان آن، از اهمیت بسیاری در اخلاق برخوردار است. در این میان یکی از چالش برانگیزترین مسائلی که بیش از هر مسأله دیگری مهم جلوه می کند، سقط جنین است. از این رو دیدگاه های متفاوتی در این باب مطرح است، به طوری که برخی آن را مطلقاً و تحت هر شرایطی مجاز می دانند (Singer, 1993, 167 & wareen, 1997, 178). برخی سقط جنین را مجاز نمی دانند مگر در صورتی

که جان مادر در خطر باشد مانند کاتولیک ها که جنین را از لحظه لقاح، انسان می دانند (Milli-can, 1992, 2-3). ولی برخی افراط کرده و سقط جنین را حتی در صورت خطر مرگ مادر مجاز نمی دانند (Ibid, 173) و گروهی دیگر از جمله خانم تامسون (Thomson) میان بارداری خواسته و ناخواسته و مراحل مختلف بارداری تفکیک قائل شده و سقط جنین را در موارد خاصی به لحاظ اخلاقی مجاز می دانند (Thomson, 1971, 57). گروهی از فیلسوفان اخلاق نیز، مسأله سقط جنین و استدلال های وارده بر آن را از منظر کانت مورد بررسی قرار داده اند تا نظریه وی را در این مسأله به دست آورند.

در واقع، ایمانوئل کانت یکی از برجسته ترین نظریه پردازان غربی، از دیدگاه اخلاقی خاصی برخوردار است. او مدعی است انسان ها در مواجهه با مشکلات، تصمیماتی کم و بیش مشابه می گیرند و علت این امر را، تنها به جهت قوه عقلانی می داند که تقریباً در همگان به طور یکسان یافت می شود (پالمر، ۱۳۸۹، ۱۹۰). وی ضمن تأکید فراوانی که بر عنصر وظیفه دارد، معتقد است وظایف اخلاقی افراد از عقل استخراج می شوند و این بدان معناست که رفتار های غیر اخلاقی، رفتار های غیر منطقی ای هستند که برای همگان مورد پذیرش نخواهند بود. کانت قاعده ای را ارائه می دهد که می تواند انسان ها را در انجام وظایف شان یاری دهد، به طوری که به اعتقاد وی، انسان ها حتی به هنگام انجام وظایف خود، آگاهانه یا ناخودآگاه با آن آشنایی دارند. وی

این مقاله در صدد بررسی مسأله سقط جنین بر اساس تقریر دوم (اصل انسانیت) از امر مطلق کانت است تا روشن شود که آیا با توجه به تقریری که کانت از امر مطلق ارائه می دهد، سقط جنین به لحاظ اخلاقی مجاز است یا خیر؟





کانت، امر مطلق را از امر مشروط متمایز کرده و امر مشروط را، امر اخلاقی نمی‌داند. امر مشروط، خود بر دو نوع تردیدی و تأکیدی است (اونی، ۱۳۸۱، ۶۷). امر مشروط تردیدی، همان گونه که از اسمش پیداست، حالت تردیدی داشته، امکان حصول نتایج به صورت قطعی در آن وجود ندارد، به طوری که در صورت عدم تمایل به نتایج، «امر» کارایی خود را از دست خواهد داد (پالمر، ۱۳۸۹، ۱۹۶). همانند اینکه گفته شود اگر می‌خواهی نقاش ماهری شوی، باید در کلاس‌های نقاشی نام نویسی کنی، در این صورت اگر خواهان نقاشی نباشی، وجود الزام، بی‌معنا خواهد بود.

امر شرطی تأکیدی نیز به امری اطلاق می‌شود که بر سعادتمندی انسان‌ها تأکید دارد. مانند اینکه گفته شود: چون انسان‌ها ذاتاً دنبال سعادت هستند، باید فلان اعمال را انجام دهند. این امر هر چند در ظاهر، شرطی به نظر نمی‌رسد، ولی از مفهوم شرطی برخوردار است. از آنجایی که مفهوم سعادت، مفهومی مبهم است، کسی که به دنبال دست یافتن به آن باشد، نمی‌تواند به طور قطع بداند به دنبال چه بوده و چه مواردی او را در رسیدن به سعادت یاری خواهد داد. از این رو چنین امری، حالتی توصیه‌ای داشته و الزام آور نیست (نیگل و دیگران، ۱۳۹۲، ۳۰۱). با این حال هر دوی این اوامر، از آن جهت که مشروط بوده و حکم اخلاقی بنا بر قواعد اخلاقی کانت می‌بایست بدون قید و شرط باشند، ارزش اخلاقی نخواهند داشت.

در مقابل امر شرطی، امر مطلق قرار دارد که کانت آن را امری ضروری و بدون قید و شرط تلقی می‌کند (کانت، ۱۳۹۳، ۲۴) و آن عبارت است از: «تنها بر پایه آن آیینی رفتار کن که در عین حال، بخواهی [آن آیین] قانون کلی و عام باشد» (کانت، ۱۳۶۹، ۶۰). کانت از این قاعده، تقریرهای سه‌گانه‌ای ارائه می‌دهد که افراد براساس آن‌ها می‌توانند بر مسائل و مشکلات اخلاقی خود فائق آیند که با نگاهی دقیق‌تر می‌توان پنج تقریر از آن استنتاج کرد.

تقریرهای امر مطلق کانت:

۱. تقریر قانون کلی
۲. تقریر قانون طبیعت

۳. تقریر قانون غایت فی نفسه
۴. تقریر استقلال اراده
۵. تقریر ملکوت غایت

با توجه به تقسیم بندی فوق گزاره‌های «امر مطلق» کانت به شرح ذیل است:

۱. تنها بر پایه آن آیینی رفتار کن که در عین حال، بخواهی [آن آیین] قانون کلی و عام باشد (همان، ۶۰).

۲. چنان عمل کن که گویی قاعده‌ی عمل تو قرار است به وسیله‌ی اراده تو، قانون عام طبیعت شود (همان، ۶۱).

۳. چنان رفتار کن که همیشه انسانیت را خواه در شخص خودت یا در شخصی دیگر، همیشه و در عین حال همچون غایت تلقی کنی نه هرگز به عنوان وسیله‌ای صرف (همان، ۷۴).

۴. همیشه باید چنان رفتار کرد که اراده ات بتواند در عین حال خود را از راه آیین‌های رفتارش، واضع قوانین عام بداند (همان، ۸۲).

۵. هر ذات خردمند [انسان] باید چنان عمل کند که گویی از راه آیین‌های رفتارش، عضوی قانونگذار در مملکت همگانی غایات است (همان، ۹۰).

مقاله حاضر بر آن است تا مسأله سقط جنین و استدلال‌های اقامه شده بر آن را بر اساس تقریرهای دوم امر مطلق کانت، مورد تبیین و نقد قرار دهد.

تقریر اصل انسانیت کانت

کانت، اصل انسانیت را چنین تقریر می‌کند: «چنان عمل کن که انسانیت را چه در شخص خودت و چه در شخص دیگر، همواره به عنوان غایت و نه صرفاً به عنوان وسیله تلقی کنی» (کانت، ۱۳۶۹، ۷۴).

مؤلفه‌های این تقریر به شرح زیر است:

الف) ارزش انسان

کانت، از جمله اندیشمندان اخلاقی است که تأکید و توجه ویژه‌ای بر عقل دارد. تا آنجا که ارزشمندی انسان را وابسته به آن و برخورداری انسان‌ها از طبیعت عقلانی می‌داند. به اعتقاد وی، انسان‌ها تنها به این دلیل که قادر به تصمیم‌گیری، تشخیص اهداف و هدایت رفتارهایشان هستند، ارزش می‌یابند. وی تنها

آن دسته از افعال را اخلاقی می‌داند که انسان‌ها از روی عقل و از سر احساس وظیفه مرتکب شده باشند. به همین ترتیب قوانینی را نیز اخلاقی به شمار می‌آورد که پشتوانه عقلانی داشته، محصول استدلال‌های عقلانی باشد (ریچلز، ۱۳۹۲، ۲۲۰). به اعتقاد کانت، ارزش انسان‌ها به سبب برخورداری شان از طبیعت عقلانی، مطلق (داروال و دیگران، ۱۳۸۲، ۱۱۷) و بالاتر از موجودات دیگر است و این بیانگر آن است که سایر موجودات اعم از حیوانات

یا اشیاء نیز ارزشمندند؛ منتها ارزشمندی آن‌ها عرضی و وابسته به انسان هاست، به طوری که اگر در خدمت اهداف و به سود انسان‌ها باشند ارزشمند، در غیر این صورت فاقد ارزش بوده و نابود شدنشان عملی غیراخلاقی به شمار نخواهد آمد (ریچلز، همان).

ب) غایت

به اعتقاد کانت، موجودات عقلانی که ارزش مطلق دارند، غایت فی‌نفسه به شمار آمده و نباید به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به غایات دیگران مورد استفاده قرار گیرند. او انسان‌ها را به جهت برخورداری شان از طبیعت عقلانی، موجودات مطلقاً ارزشمند تلقی می‌کند. از این رو موجودات انسانی، مقصود کانت از غایت فی‌نفسه هستند که وسیله تلقی شدن شان، از نظر اخلاقی نادرست خواهد بود (همان، ۲۲۰-۲۲۱).

ج) وسیله

به اعتقاد کانت، موجوداتی که فاقد طبیعت عقلانی و ناتوان از امیال و اهداف خودآگاهانه اند، اعم از اینکه محصول طبیعت باشند یا ساخته دست انسان مانند حیوانات و اشیاء، اگر ارزشی هم داشته باشند، ارزششان عرضی و وابسته به موجودات عقلانی (انسان) است؛ به طوری که اگر در خدمت اهداف انسانی باشند ارزشمند، در غیر این صورت فاقد ارزش خواهند بود. بنابراین روشن است که منظور کانت از وسیله در تقریر دوم امر مطلق، تنها موجودات فاقد قوه عقلانیت است (سالیوان، ۱۳۸۰، ۱۰۹).

د) قید صرفاً

کانت با به کار بردن قید (صرفاً) در تقریر اصل انسانیت، در

صدد بیان این نکته است که انسان‌ها به سبب این که موجوداتی ذاتاً ارزشمند و غایت فی‌نفسه اند، نباید صرفاً به عنوان وسیله تلقی شوند. در واقع کانت با این تعبیر، می‌خواهد بگوید انسان‌ها تا حدودی می‌توانند از یکدیگر سود ببرند، چون در زندگی اجتماعی، استفاده نبردن انسان‌ها از یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. به عنوان مثال، زمانی که به شخص بتایی، هزینه پرداخت می‌کنید تا برایتان ساختمانی زیبا بسازد، در واقع از او تا حدودی به

عنوان وسیله برای رسیدن به اهدافتان استفاده کرده‌اید و این بدان معنا نیست که شخصی که بتا است، صرفاً به عنوان وسیله‌ای در خدمت اهداف شما باشد.

آلن وود (Allen Wood)، اندیشمند کانتی می‌گوید: گاهی اوقات در زندگی انسان‌ها شرایطی پیش می‌آید که برای رسیدن به غایات بالاتر، نیازمند فداکاری و یا حتی کشتن انسان‌های دیگر می‌شوند (wood, 1999, 85-87). به اعتقاد وی، اصل انسانیت

کانت، شکل محض و مطلق ندارد، زیرا که مفهوم صرفاً در آن به کار رفته است تا با تمسک به آن، به آزادی و توان هر شخص در تصمیمات شان اعم از زن و مرد احترام گذاشته می‌شود، نه مثل فرمانروایی که برای اجرای اوامر خویش، با سلب اختیار اتباع خود، از آنان صرفاً به عنوان وسیله استفاده می‌کند (Ibid, 104) و این بیانگر آن است که انسان‌ها نباید صرفاً به عنوان وسیله مورد استفاده دیگران قرار گیرند، اما اگر تا حدی از همدیگر سود ببرند، از نظر اصل انسانیت کانت مانعی نخواهد داشت.

تقریر کانتی از استدلال بالقوگی بر نادرستی سقط جنین

استدلال بالقوگی، یکی از استدلال‌هایی است که بر نادرستی سقط جنین اقامه شده است. طبق این استدلال، استعداد و قوه‌ی جنین برای تبدیل شدن به انسان کامل، دلیلی قوی بر اعطای حق حیات به او است. هر چند جنین از لحظه لقاح، انسان کامل و بالفعلی نیست، ولی انسان بالقوه‌ای است که در صورت فراهم

استدلال بالقوگی، یکی از استدلال‌هایی است که بر نادرستی سقط جنین اقامه شده است. طبق این استدلال، استعداد و قوه‌ی جنین برای تبدیل شدن به انسان کامل، دلیلی قوی بر اعطای حق حیات به اوست.





بودن امکان رشد و پرورش طبیعی، تبدیل به انسانی بالفعل خواهد شد.

در واقع، جنین انسان فاقد ویژگی های انسان بالغ است، ولی به طور بالقوه، واجد آن هاست و هر یک از این ویژگی ها از جمله استعداد تجربه احساسات مختلف، ظرفیت برقراری روابط اجتماعی با دیگران و مهم تر از همه، استعداد تبدیل شدن به فاعل اخلاقی را به تدریج در روند رشدش به دست خواهد آورد، دقیقاً همانند نوزاد تازه متولد شده ای که فاقد خودآگاهی، عقلانیت، درک، احساس و... بوده و به تدریج استعداد های طبیعی خود را فعلیت می بخشد. از این رو، می توان گفت که جنین دقیقاً شبیه ماست و نباید تمام حقوقی را که برای خود قائلیم

از او سلب کرده، موانعی برای رشدش ایجاد کنیم. در واقع، موجود بالقوه ای که می تواند ارزش اخلاقی است (آل بویه و محسن جوادی ۱۳۹۱، ۱۰۱-۱۰۵؛ جمشیدی و علیرضا آل بویه، ۱۳۹۶، ۲۹-۳۱).

برخی از مفسرین کانت، بر اساس همین استدلال بالقوگی، تلاش کرده اند بر مبنای کانتی، نادرستی سقط جنین را اثبات کنند. از جمله لینا پاپاداکی به عنوان اندیشمند کانتی بیان می کند که هیچ رویان یا جنینی را نمی توان فاعلی عاقل دانست، اما با این

وجود می توان اصل انسانیت را بر او اطلاق کرد، زیرا واجد قوه ی تبدیل شدن به موجودی دارای شأن انسانی است و در صورت سقط جنین، زن به طور غیرقابل برگشت، این قوه جنین را از بین می برد (papadaki, 2021, 160). از این رو طبق نظر پاپاداکی، سقط جنین عملی غیر اخلاقی و نادرست خواهد بود. در تأیید استدلال بالقوگی و نظر پاپاداکی، می توان به دیدگاه رتگر کلاسن (Rutger claassen) دیگر اندیشمند اخلاقی اشاره داشت که معتقد است قابلیت و استعداد انسان ها فی نفسه دارای ارزش است. وی می گوید (نه تنها جنین) بلکه هر انسانی می تواند دارای قابلیت و استعداد های منحصر به فردی باشد که حتی دیگری فاقد آن است. به طوری که بالفعل شدن این قابلیت ها، وابسته به دنیا بوده

و نسبت به شرایط زندگی افراد متفاوت می شود و چه بسا قابلیت هایی هم به فعلیت نرسد. به اعتقاد رتگر، همین تفاوت قابلیت ها، آسیب پذیری و نیازمندی افراد به یکدیگر است که موجب می شود آن ها به فاعلان اخلاقی تبدیل شوند (claassen, 2014, 240-249). ریچارد مروین هیر (Richard mervin Hare) نیز در مقاله «سقط جنین و قاعده زرین» از اصل بالقوگی یا استعداد بحث کرده است. بر طبق این اصل، اگر کشتن انسان بالغ به سبب برخورداری اش از ویژگی خاص حق حیات، نادرست شمرده شود، پس باید از بین بردن هر اورگانسمی نیز (مانند جنین) نادرست شمرده شود، چراکه اگر رشد کرده و تکامل یابد، می تواند در آینده واجد این ویژگی باشد. (Hare, 1975, 209).

ریچارد مروین هیر نیز بر طبق اصل بالقوگی یا استعداد، معتقد است اگر کشتن انسان بالغ به سبب برخورداری اش از ویژگی خاص حق حیات، نادرست شمرده شود، پس باید از بین بردن هر اورگانسمی (مانند جنین) نادرست شمرده شود، چون در آینده واجد این ویژگی می تواند باشد.

از این رو هر چند نمی توان جنین انسان را فاعلی عاقل دانست، ولی به جهت برخورداری او از قابلیت عقلانی و با توجه به اینکه خود قابلیت و استعدادها فی نفسه دارای ارزش هستند، پس جنین نیز می تواند غایت محسوب شده و ارزشمند گردد. در نتیجه سقط کردن او عملی غیر اخلاقی خواهد بود.

تقریر منطقی اصل انسانیت کانت بر اساس استدلال بالقوگی را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

۱. جنین انسان، (بالقوه) از طبیعت عقلانی برخوردار است.
۲. هر انسانی به جهت برخورداری از طبیعت عقلانی، ارزشمند است.
- پس: جنین انسانی ارزشمند است.
- در تکمیل این استدلال به استدلال دیگری اشاره می شود:
۱. جنین (بالقوه)، انسانی ارزشمند است.
۲. کشتن هر انسان ارزشمندی، عملی غیر اخلاقی است.
- پس: کشتن (سقط کردن) جنین، عملی غیر اخلاقی است.
- با توجه به استدلال بالقوگی و بنابر آنچه که از اصل انسانیت بدست می آید، ارزشمندی جنین و به موجب آن، غایت بودن و عدم وسیله تلقی شدن وی و نهایتاً نادرستی سقط او به اثبات

می رسد.

نقد تقریر کانتی از استدلال بالقوگی

یکی از کسانی که استدلال بالقوگی را به طور جدی رد می کند، مایکل تولی (Michael Tooley) است. او مدعی است صرف برخوردارگی جنین ها از قوه عقلانیت، نمی تواند نادرستی و غیراخلاقی بودن سقط جنین را اثبات کند. برای مثال اگر فرض کنیم در آینده، ماده ی شیمیایی یا سرمی کشف شود که حاوی قوه خودآگاهی و عقلانیت باشد که در صورت تزریق به مغز حیواناتی مانند گربه، آنان را واجد قوه انسانیت می کند، در این صورت باید بپذیریم که هر موجود دیگری در چنین شرایطی مانند جنین انسان، از حق حیات برخوردار باشد؛ حال آنکه چنین چیزی محال است (Tooley, 1972, 60).

در واقع، تولی حق حیات را اختصاص به افرادی می دهد که از طبیعت عقلانی و امیال برخوردار باشند و بیان می کند جنین انسان، با اینکه بالقوه انسان عاقل است و اگر پرورش پیدا کند، می تواند همانند انسان بالغ، از حق حیات برخوردار شود، اما در حال حاضر هیچ حق حیاتی حتی بیشتر از جنین موش ندارد. به اعتقاد وی، مفهوم «حقوق» با مفهوم «امیال» مرتبط است؛ به طوری که انسان فقط در صورتی می تواند حق حیات داشته باشد که از امیال برخوردار باشد (Gensler, 1986, 86-87).

تولی، برای ادعای خود مثالی آورده، می گوید نمی توان در مورد ماشینی که شارژش تمام شده و باید دوباره شارژ شود، تصور کرد که میل به شارژ شدن دارد؛ زیرا که برای میل داشتن، برخوردارگی از عقل و آگاهی لازم است و چون برای ماشین این امکان وجود ندارد، از این رو نمی تواند از حقوق برخوردار باشد. در واقع به اعتقاد تولی، لازمه برخوردارگی از حق حیات، داشتن امیال است و امیال نیز پیش از برخوردارگی از عقل و آگاهی تحقق پیدا نمی کند و این امر در مورد جنین نیز صادق است. جنین، مادامی که فاقد عقل و آگاهی و به تبع آن امیال است، از حق حیات

برخوردار نیست و هیچ تفاوتی با جنین حیواناتی همچون موش و ... نخواهد داشت (Tooley, 1972, 54-47).

تقریر منطقی استدلال تولی را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

۱. جنین انسان، عقل (بالفعل) ندارد.

۲. هر آنچه که عقل ندارد، امیال ندارد.

پس: جنین انسان، امیال ندارد.

برای تکمیل ادعای تولی، به استدلال ذیل اشاره می شود:

۱. جنین انسان امیال ندارد.

۲. هر آنچه که امیال ندارد حق حیات ندارد.

پس: جنین انسان حق حیات ندارد.

حاصل آنکه جنین از حق حیات محروم بوده و سقط شدنش از

طرف مادر، مشکل اخلاقی نخواهد داشت.

به عبارت دیگر تا زمانی که استعداد طبیعت

عقلانی و امیال جنین به صورت بالقوه بوده

و به فعلیت نرسیده است، انسان کامل به وی

صدق نمی کند و بنا بر مبنای کانت، غایت

فی نفسه هم به شمار نیامده، به عنوان وسیله

ای برای استفاده دیگران تلقی خواهد شد. از

این رو از کرامت و ارزش اخلاقی محروم می

شود، به طوری که سقط شدنش از سوی مادر،

عملی غیراخلاقی محسوب نمی شود.

۱. رد اول استدلال تولی

هری جی. گنسلر (Harry J. Gensler) در رد استدلال

به اعتقاد تولی، لازمه برخوردارگی از حق حیات، داشتن امیال است و امیال نیز پیش از برخوردارگی از عقل و آگاهی تحقق پیدا نمی کند و این امر در مورد جنین نیز صادق است. جنین، مادامی که فاقد عقل و آگاهی و به تبع آن امیال است، از حق حیات برخوردار نیست و تفاوتی با جنین حیواناتی همچون موش نخواهد داشت!





تولی می‌گوید اگر بپذیریم هر موجود برخوردار از امیال، ضرورتاً باید عاقل باشد تا حق حیات داشته باشد، در این صورت باید بپذیریم بر طبق مثال اگر کودکی را فرض کنیم که از مفهوم بیماری هپاتیت سر در نیاورده، هیچ تصویری از آن ندارد، به تبع هیچ میلی هم نسبت به آن بیماری نخواهد داشت. به این صورت که نه میلی به مبتلا شدن به بیماری دارد و نه میلی به تلاش برای در امان بودن از آن. بنابراین حق مبتلا نشدن به این بیماری را ندارد، حال آن که در واقع مبتلا شدن به بیماری ناشناخته، وابسته به علم و امیال افراد نیست. وی در ادامه می‌گوید: اگر بپذیریم شخص مرده‌ای، زمانی از امیال برخوردار بوده‌است، در این صورت باید بپذیریم امیالش زنده بوده آن زمان که خود زنده بوده است.

به اعتقاد وی، جنین در ابتدا باید زنده بماند تا از امیال برخوردار شود و سقط کردن او، در واقع محروم کردن او از برخورداری از امیال است. گنسلر می‌گوید: اگر به جنین اجازه زنده ماندن و حق حیات داده شود، می‌تواند تمایل به ادامه زندگی داشته و رشد کند و تبدیل به انسان بالغ شود و این به نوعی اجازه ای است بر اینکه جنین، از حق حیات برخوردار باشد (Gensler, 1986, 87-88).

همچنین در رد ادعای دیگر تولی مبنی بر اینکه جنین انسان هیچ حق حیاتی حتی بیشتر از حیواناتی مثل موش ندارد، شاید بتوان به استدلال کریستوفر کاکزور (Christopher Kaczor) استناد کرد که معتقد است تفاوت اخلاقی مهمی میان انسان و حیوان وجود دارد. برای مثال، میان تصادف با سنجاب و تصادف با نوزاد انسان، تفاوت اخلاقی وجود دارد. بین عمل کسی که در حین رانندگی با سنجابی تصادف می‌کند و آن را زخمی کرده و بایی توجهی به راه خود ادامه می‌دهد تا بمیرد، با عمل کسی که در حین رانندگی، با نوزاد انسانی هرچند معلول ذهنی تصادف می‌کند، تفاوت اخلاقی وجود دارد. به طوری که کسی که با نوزاد انسان تصادف کرده، در مقایسه با کسی که با حیوان تصادف کرده است، بیشتر مورد نکوهش قرار می‌گیرد. همچنین است اینکه میان خوردن گوشت حیواناتی مانند گاو در مقایسه با گوشت انسان‌هایی که از نظر تولی، شخص محسوب نمی‌شوند مانند جنین انسان و نوزاد تازه متولد شده ای که حتی به لحاظ هوشی پایین تر از گاو باشد، تفاوت وجود دارد. به این صورت که انسان‌ها در مورد دومی کراهت دارند و به نوزاد انسان ارزش می‌دهند (Kaczor, 2011, 21).

بنابراین با توجه به مطالب مذکور، استدلال تولی مبنی بر اینکه که طبیعت عقلانی و امیال را شرط دانسته و تا زمانی که به فعلیت نرسد، جنین را انسان کامل برخوردار از حق حیات و به تعبیر کانت، ارزشمند نمی‌داند، رد شده، نادرستی سقط جنین به اثبات می‌رسد.

۲. رد دوم استدلال تولی

تولی در مثال تزریق سرم عقلانیت به مغز گربه و مقایسه آن با قوه عقلانیت جنین انسانی، با یکسان انگاشتن قوه و استعداد، به خطا رفته و از تفاوت مفهومی آن دو غافل شده است.

در واقع استعداد، قوه قریب به فعلیت است و قوه، مفهومی عام تر از آن دارد. برای مثال، دانه ی جویبی که در زمین کاشته شده، کم کم رشد کرده و جوانه می‌زند، استعداد تبدیل شدن به سنبل جو را دارد، یعنی قوه قریب به فعلیت جو را داراست. همچنین دانه ی جویبی که هرگز در خاک قرار نگرفته، قوه بعید تبدیل شدن به سنبل جو را داراست؛ به این معنا که بعد از طی مراحل مانده کاشته شدن و رسیدن آب و خاک به آن، ممکن است تبدیل به سنبل جو شود.

موجودات عالم ماده به جهت دارا بودن استعداد و میل ذاتی، همواره به سوی نوشدن و تکامل پیش می‌روند. از این رو دائماً در حال تغییر و تحول هستند. آنچه اهمیت دارد این است که وجود این همه تغییرات و دگرگونی‌ها، خود به خودی نبوده و بر اساس نظام خاصی صورت می‌گیرد که بر طبیعت حکم فرماست. به سبب آن، هر چیزی استعداد تبدیل شدن به چیزهای دیگر را نداشته و تنها می‌تواند به چیزهای خاصی تبدیل شوند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت تخم مرغ در نهایت تبدیل به غاز شده و یا از جو، گندم بروید (آل بویه، ۱۳۹۰، ۴۳؛ آل بویه و محسن جوادی ۱۳۹۱، ۲۰۱).

بنابر توضیحات، روشن می‌شود در مثالی که تولی مطرح کرده است حتی اگر هم سرم عقلانیت و خودآگاهی وجود داشته باشد تا به مغز گربه و حیوانات دیگر تزریق شود، باز آن‌ها تنها قوه بعیدی از عقلانیت را دارا خواهند بود. از این رو قابل مقایسه با جنین انسان نخواهند بود؛ چرا که وجود جنین، واجد استعداد قریبی از عقلانیت و خودآگاهی است، به طوری که وجودش شکل گرفته و در فرایند طبیعی به سوی انسان بالفعل شدن، قرار

دارد و هرگز نمی توان استنباط کرد که کشته شدن گربه یا هر حیوان دیگری، معادل کشته شدن جنین انسانی باشد.

حاصل آنکه چنین مثالی برای رد استدلال بالقوگی فاقد اعتبار بوده و جنین انسانی، همچنان بالقوه، انسان برخوردار از عقلانیت و ارزشمندی تلقی خواهد شد که نباید سقط شود.

استدلال عدم وسیله قرار دادن زنان و جواز سقط جنین

بنا بر مطالب پیش گفته، روشن شد که موجودات برخوردار از طبیعت عقلانی و دارای امیال خودآگاه، مانند زنان، غایت فی نفسه و دارای ارزش ذاتی هستند و نباید به عنوان وسیله، مورد استفاده قرار بگیرند.

خانم تامسون، در مقاله تأثیرگذار خود درباره سقط جنین اشاره

می کند که چگونه زن باردار، گاهی اوقات

به عنوان "وضعیت خانه" برای جنین به شمار می آید. اغلب این واقعیت که زن، یک شخص و یک عامل مستقل است، فراموش شده است. همانطور که تامسون می گوید: "اگر زن باردار باشد، باید به یاد داشته باشید که او جنین را در خود پناه داده است (Thomson, 1971, 52-53). به همین ترتیب سوزان بوردو (Susal Bordo) استدلال می کند که در جوامع ما با زنان به عنوان "ماشین جوجه کشی" یا "ظروف

جنین" رفتار می شود، در حالی که برای جنین، شأنی بالاتر از یک شخص قائل هستند. بوردو این نکته را توضیح می دهد که مخالفان سقط جنین، ماهیت زن باردار را در حفظ حیات دیگری و در حد نقش بیولوژیکی و مکانیکی تنزل داده و به سرشت زن به این مقدار ارزش قائلند (Bordo, 1993, 72-77).

سوزال فلدمن (Susal Feldman) استدلال می کند که ممنوعیت سقط جنین، منجر به رفتار عینی در مورد زنان می شود و زنان به عنوان عاملی منفعل همچون "ظرف جنین" یا "گلدان" که جنین در آن رشد می کند، در نظر گرفته می شوند. برای جلوگیری از تلقی زنان به عنوان وسیله یا ظرف نگهداری جنین، باید به کرامت زنان و در نتیجه حق انتخاب آن ها در مورد خاتمه یا ادامه بارداری احترام

گذاشته شود (Feldman, 1998, 270). فلدمن معتقد است، خود زنان نباید چنین طرز تفکری در مورد خود داشته باشند و هشدار می دهد چنین طرز تفکری در مورد زنان، منجر به پیامدهای نامطلوبی مانند خطر تنزل زنان به نوکر مایی و در نتیجه عدم اعتماد به نفس اخلاقی زنان نسبت به خودشان می شود. همچنین موجب می شود زنان خودشان را به عنوان موجوداتی کوچک و پست به شمار آورند که هر کسی می تواند از آن ها سوء استفاده کند. یکی از تاثیرات ممنوعیت سقط جنین، کاهش زندگی اخلاقی تجربی یک عامل اخلاقی است. در لسان کانت، این احتمال کمتر است که شخص خود را به عنوان هسته ای عقلانی مستقل تشخیص دهد و ارزش خود را وابسته به دیگری بداند (Feldman, Ibid). به عبارت دیگر در صورتی که قوه اختیار زن باردار از وی سلب شده

و او مجبور به تحمل ادامه بارداری گردد، او دیگر فاعلی اخلاقی به شمار نخواهد آمد. در واقع اگر زن باردار فی نفسه فاعلی ارزشمند است، نباید ارزشش وابسته به ادامه بارداری و تولد فرزندش باشد.

با توجه به مطالب پیشین، پاپاداک می کند در مواردی که رضایت زنان برای ادامه بارداری و سهمیم بودنشان در اهداف بارداری، لحاظ نشود، تنها به عنوان وسیله ای همانند "ماشین جوجه کشی" تلقی می شوند که تنها برای حفظ و نگهداری جنین کارآیی دارند. در نتیجه این

تناقض غایت بودن زن باردار و در عین حال به عنوان وسیله تلقی شدن وی، فرمول انسانیت امر مطلق کانت را نقض خواهد کرد (Papadaki, 2012, 151).

صورتبندی منطقی این استدلال را می توان به شرح ذیل بیان کرد:
۱. انسان غایت فی نفسه و ذاتاً ارزشمندی است که نباید به عنوان وسیله تلقی شود.

۲. زن انسان است.

پس: نباید به عنوان وسیله تلقی شود.

با تقریر دیگری می توان این استدلال را به طور دقیق بیان کرد:

۱. هر فاعل اخلاقی باید اختیار داشته باشد.

۲. اجبار زن به ادامه بارداری، سلب اختیار وی است.

در صورتی که قوه اختیار زن باردار از وی سلب شده و او مجبور به تحمل ادامه بارداری گردد، او دیگر فاعلی اخلاقی به شمار نخواهد آمد. در واقع اگر زن باردار فی نفسه فاعلی ارزشمند است، نباید ارزشش وابسته به ادامه بارداری و تولد فرزندش باشد.





۳. زن فاعلی اخلاقی است.

پس: زن برای ادامه بارداری یا خاتمه آن، خود مختار است.

با توجه به این تقریر روشن می شود زن به عنوان فاعل آزاد، مجبور به ادامه بارداری نیست. در اینجا سؤالی پیش می آید که اختیار و آزادی زن در چه حدی است؟ آیا حق اختیار زن شامل بارداری خواسته و ناخواسته می شود یا قابل تفصیل است؟ و آیا سقط جنین در چنین شرایطی موافق اصل انسانیت است یا این اصل را نقض می کند؟

بر طبق نظر لارا دنیز (Lara denis) اندیشمند کانتی، بارداری، اغلب از لحاظ جسمی برای زنان خطرناک و اضطراب آور است، به طوری که زایمان زن، تهدیدی برای زندگی او به عنوان فاعل اخلاقی است. در صورتی که بارداری با خواست مادر باشد، ولی جان مادر با ادامه بارداری در معرض خطر قرار بگیرد، در این صورت سقط جنین مجاز است. (McCoy, 2011, 148) دنیز برای روشن شدن مسأله، مثالی می آورد که اگر مهاجمی قصد کشتن فردی را داشته باشد و آن فرد برای محافظت از زندگی خود مهاجم را بکشد، کار غیر اخلاقی مرتکب نشده است. به این ترتیب سقط جنین، با اصل انسانیت کانت تعارضی نخواهد داشت. (Denis, 2007, 564).

خانم برتا الواریز مانینن (Bertha Alvarez Manninen) اندیشمند دیگر کانتی نیز معتقد است در بارداری ناخواسته مانند تجاوز به عنف و ... مادر، باری اضافه را تحمل می کند. در جایی که رضایت مادر به ادامه بارداری لحاظ نشود و او مجبور به بارداری شود، در چنین شرایطی جنین همانند دزدی می ماند که سلول های مادر را می دزدد و از خون او تنفس می کند تا جایی که حتی مادر در اواسط شب با غریبه ای گرسنه تنها می ماند. در واقع با توجه به رابطه صمیمی بین شخص و بدنش، حفظ خودمختاری در قبال بدن، یک جنبه کلیدی و مهم برای احترام به «امنیت شخص» است. نمی توان انکار کرد که بدن انسان، ارتباط عمیقی با ذهن و روح انسان و نهایتاً با خود انسان دارد. تجاوز و تخطی به بدن انسان، تجاوز به خود انسان است و دزدیدن بدن انسان و سوء استفاده از آن در واقع، دزدیدن و سوء استفاده از خود انسان است. با این توضیح می توان درک کرد که چرا مجبور شدن زن به زاد و ولد، نقض شدید اصل انسانیت است، زیرا این امر مستلزم نادیده

گرفتن تصمیم منطقی و خودمختارانه در ارتباط با یک مسأله شخصی انسان است که تأثیر عمیقی بر بقیه زندگی اش خواهد گذاشت. در واقع مهمترین جنبه تحقق اصل انسانیت، احترام به غایت فی نفسه بودن یک فاعل اخلاقی است، به طوری که اجبار زن به ادامه بارداری، موجب نادیده گرفتن غایت بودن، و به تبع آن ارزشمندی اخلاقی وی و نقض اصل انسانیت می شود (Alvarez Manninen, 2014, 79-80).

مثال مشابه اجبار زن به ادامه بارداری ناخواسته، همانند جامعه ای می ماند که با وجود اینکه داوطلبان اهدای اعضا و خون و ... در آن جامعه وجود دارد، نظام اجتماعی آنجا قانونی را اتخاذ می کند تا بر طبق آن، انسان ها مجبور به اهدای اعضای غیر حیاتی خود برای نجات دیگر انسان ها باشند. به گفته خانم الواریز، حتی انسان های مرده هم مالک اعضای بدنشان هستند. حتی اگر مردم به دلیل کمبود اعضا بمیرند، نباید اعضای فرد مرده را بدون موافقت وی بردارند. با توجه به مثال بالا نظام اجتماعی نباید اشخاص را برای اهدای خون، مغز استخوان و ... مجبور کنند، حتی اگر مردم به جهت عدم دریافت مایعات حیاتی بدن، بمیرند. به این ترتیب، زن باردار طی نه ماه بارداری، مجبور به اهدای خون و مواد مغذی بدن خود برای نجات دیگری است. همه افراد جوامع، الزام اخلاقی دارند تا اشخاص را به عنوان غایت فی نفسه و ذاتاً ارزشمند به رسمیت بشناسند، حتی اگر این احترام به اشخاص مستلزم مرگ دیگری باشد. (Ibid)

بنا بر مطالب پیش گفته، روشن می شود اجبار زن به ادامه بارداری، نادیده گرفتن غایت و ارزشمندی زن است که این خود نقض اصل انسانیت را به دنبال دارد. از این رو طبق این اصل، زن مجبور به ادامه بارداری نیست و سقط جنین در چنین شرایطی، عملی غیر اخلاقی به شمار نمی آید.

استدلال عدم وسیله قرار دادن جنین و عدم جواز سقط آن

همانگونه که گذشت، نمی توان ادعا کرد زنان برای ادامه دادن بارداری، ساخته شده و صرفاً به عنوان وسیله ای برای نگه داری جنین، زنده هستند. این بخش در مورد بحث انگیزترین سؤالی است که آیا با جنین می توان صرفاً به عنوان وسیله برخورد کرد یا نه؟

آنیل (O'Neill) اندیشمند اخلاقی، تعبیر وسیله بودن را چنین تفسیر می‌کند: «اگر A در رفتارش با B، کاری را انجام دهد که B مخالف آن است، در واقع با B صرفاً به عنوان وسیله رفتار کرده است» (O'Neill, 1989-1990, 111). برای مثال اگر A از B پولی قرض بگیرد و به او وعده دروغ دهد که آن را پس خواهد داد، در این صورت A با B به عنوان وسیله رفتار کرده است (denis, 2007, 155) و طبق نظر آقای آلن وود (Allen Wood) «در جایی که A با B در هدف شریک نیستند، A با B صرفاً به عنوان وسیله رفتار می‌کند» (Wood, 1999, 153).

لینا پاپاداکی (Lina Papadaki) کاربرد این تفاسیر را در مورد جنین دشوار می‌داند، زیرا جنین در موقعیتی قرار ندارد که بتواند رضایت یا مخالفت خود را به هر طریقی ابراز کند. به طور مشابه، جنین توانایی سهمیم شدن در هیچ گونه اهدافی را هم ندارد. شاید برخی تنها با تمسک به این ادله، تصمیم بگیرند جنین‌ها را به عنوان وسیله تلقی کرده، برای اهداف خود به کارگیرند. حال آنکه افراد مبتلا به مشکلات ذهنی و روانی شدید، نوزادان و کودکان کم سن و سال هم نمی‌توانند در اهداف شریک بوده و موافق یا مخالف روش‌هایی باشند که با آنها برخورد می‌شوند (بسته به شرایط کمتر و بیشتر). پاپاداکی با ناکافی دانستن این دلایل، معتقد است وسیله قرار دادن جنین‌ها، می‌تواند تفسیر نادرستی از تقریر اصل انسانیت کانت باشد (Papadaki, 2012, 151-152).

به اعتقاد کانت، عمل تولیدمثل، باید به عنوان تصمیم والدین برای به دنیا آوردن یک فرد بدون رضایت او درک شود. این باعث ایجاد تعهد والدین برای اطمینان از زندگی بهتر فرزندان است. وی می‌نویسد: آن‌ها (والدین) نمی‌توانند فرزندان خود را از بین ببرند و یا حتی به حال خود رها کنند، زیرا این چیزی است که ساخته‌ی دست خودشان است، چون آن‌ها نه تنها یک موجود دنیوی، بلکه یک شهروند جهانی را به وجود آورده‌اند که اکنون نمی‌توانند حتی با توجه به مفهوم حق، نسبت به آن‌ها بی تفاوت باشند. از این وظیفه نیز لزوماً باید حق والدین برای مدیریت و پرورش فرزندان، تا زمانی که هنوز استفاده از اعضای خود و یا

به کارگیری از قوه درک را یاد نگرفته‌اند، به دست آید و مفهوم حق، نه تنها شامل تغذیه و مراقبت وی، بلکه آموزش و پرورش آن‌ها به طوری که در آینده بتوانند مراقب خود و راه خود در زندگی و اخلاق باشند، است. بنابراین در غیراینصورت گناه نادیده گرفتن فرزندان، بر عهده والدین است (Ibid, 152-153).

کانت، از این حقیقت که توانایی منطقی جنین‌ها، هنوز به طور کامل رشد نیافته است، به طور قطع نتیجه نمی‌گیرد که والدین می‌توانند جنین‌ها را به عنوان وسیله ای صرف در نظر بگیرند. کاملاً برعکس، کانت به روشنی بیان می‌کند که والدین موظف هستند اطمینان حاصل کنند که فرزندان‌شان به بزرگسالان مستقل و مهم تر از همه، فاعلان اخلاقی تبدیل شده باشند (Ibid).

مشخص نیست که آیا کانت، جنین را سزاوار رفتار مشابه با یک کودک می‌داند یا نه. آیا زن باردار، ملزم است جنین را از بین ببرد، همان طور که او را ایجاد کرده است؟ آیا او وظیفه دارد که (جنین) را به دنیا آورد و اطمینان حاصل کند که او به موجود انسانی و فاعل اخلاقی تبدیل شود؟ ممکن است تفاوت بین جنین و فرزند این باشد که اولی (کودک)، بر خلاف دومی (جنین) قدرت تفکر دارد، ولی جنین تا زمانی که به دنیا نیامده است، این قدرت را ندارد. هنوز معلوم نیست که آیا این واقعیت، زن را از تعهد و الزام حفظ جنینی که احتمال دارد تبدیل به عامل عقلانی شود، آزاد می‌کند یا نه؟ البته به شرطی که زن، بارداری خود را به زمان زایمان برساند.

همان طور که در بالا ذکر شد، تفاسیر نیل و وود در مورد وسیله قرار گرفتن، معضل و غیر قابل حل هستند و هر دو استدلال، به معنای در نظر گرفتن جنین به عنوان وسیله نیست. با این وجود، این تفسیرها، می‌توانند در مورد جنین نیز کاربرد داشته باشند. پاپاداکی اذعان می‌کند که جنین، قادر به سهمیم بودن در اهداف و موافقت با روش‌هایی که مردم با وی برخورد می‌کنند، نیست؛ با این حال ممکن است استدلال کرد که اگر وی، در موقعیت و شرایطی باشد که بتواند این کار را انجام دهد، هیچ وقت به سقط شدن خود رضایت نخواهد داد. (Ibid, 151-154)

به اعتقاد کانت، عمل تولیدمثل، باید به عنوان تصمیم والدین برای به دنیا آوردن یک فرد بدون رضایت او درک شود. این باعث ایجاد تعهد والدین برای اطمینان از زندگی بهتر فرزندان‌شان است.





هیر، مثال مشابهی در مورد سقط جنین دارد. او از ما می خواهد در تصور خود «گذار به گذشته» داشته باشیم. زمانی که مادر ما، در نظر دارد بارداری خود را که منجر به تولد مان می شود، قطع کند، در آن شرایط ما می توانیم با مادر خود صحبت کنیم. با این فرض که مادرمان به هستی ما، همین مقدار ارزش می دهد که ما افراد معمولی شاد باشیم. علاوه بر این، اجازه دهید فرض کنیم مادرمان اگر بارداری را ادامه دهند و من و شما را به دنیا بیاورند، نخواهد مرد. در این مورد، هری استدلال می کند با چنین وضعیتی، ما به مادرانمان خواهیم گفت که ما را سقط نکنند، زیرا اولویت ما برای زندگی و لذت بردن از آن، بر سقط جنین مادرمان، ترجیح دارد. اگر سقط جنین در این مورد، غیرقانونی تلقی شود، برای همه، در شرایط مشابه، غیرقابل قبول خواهد بود و فقط سقط جنین، در مواردی که بارداری منجر به مرگ مادر شود یا در مواردی که جنین توانایی پرورش پیدا کردن به شخصی که از زنده بودن خود شاد باشد را نداشته باشد، مجاز شمرده می شود. (Hare, 1989, 6-8)

پاپاداکمی بیان می کند که در شرایط عادی و زمانی که من به طور کلی از زندگی ام راضی هستم، اکنون من موافق نیستم که به عنوان یک جنین کشته شوم و به همین ترتیب نمی توانم درهدف مادرم برای سقط جنین سهیم باشم. بنابراین، اگر زنی که اکنون به فکر سقط کردن جنین خود است، خوشحال باشد که زنده مانده و مادرش او را سقط نکرده است، او نباید سقط جنین انجام دهد و (Papadaki, 2012, 155). به طور معمول، منتقدان کانتی سقط جنین، به این نتیجه می رسند که اصل انسانیت برای همه اعضای گونه موجودات عاقل اعمال می شود. (Alvarez Manninen, 2014, 70-72)

با توجه به مطالب مذکور روشن می شود سقط کردن جنین، در واقع به عنوان وسیله تلقی کردن جنین و به تبع آن، نقض اصل انسانیت کانت است.

رفع تعارض عدم وسیله بودن مادر و جنین

با توجه به دو استدلال بیان شده ی بالا (استدلال عدم وسیله قرار دادن مادر و استدلال عدم وسیله قرار دادن جنین)، با نتایج متناقضی که بر اساس یکی، جواز سقط جنین و بر اساس دیگری، عدم جواز سقط جنین بدست می آید، روبرو هستیم. برای رفع تعارض موجود، لازم است به استدلال های ذیل استناد کنیم:

الف) استدلال ارزشمندی مادر نسبت به جنین

پاپاداکمی ضمن تبیین نظریات کانت در مورد سقط جنین، بیان می کند که حتی اگر بتوان پذیرفت جنین، بالقوه انسان عاقل است، با این حال شخصیت واقعی زن، تنها از آن جهت که بالفعل موجود است، ارزش بیشتری نسبت به شخصیت جنین دارد (Papadaki, 2012, 145-166). برای تبیین استدلال پاپاداکمی باید توضیح داد که منظور از آوردن لفظ موجود، شخصی است که به دنیا آمده و در مقابل آن، عبارت معدوم قرار دارد که بالفعل موجود نیست و فعلاً به دنیا نیامده است. استدلال وی تقریباً به این شکل است:

هر شخص موجود، از ارزش بیشتری نسبت به شخص معدوم برخوردار است.

مادر شخص موجود (بالفعل) است.

جنین شخص معدوم (بالقوه) است.

پس مادر نسبت به جنین از ارزش بیشتری برخوردار است.

بر طبق این استدلال و با توجه به مبنای کانت، در صورتی که جان جنین در تعارض با جان مادر قرارگیرد، این جان مادر است که نباید برای به دنیا آوردن جنین فدا شود. برای توضیح بیشتر باید گفت که این ارزشمندی جان مادر نسبت به جنین، در صورتی است که بارداری ناخواسته بوده و رضایت مادر برای ادامه بارداری و سهیم بودنش در اهداف بارداری لحاظ نشده باشد (Alvarez Man, 2014, 79-80) وگرنه در صورتی که بارداری با خواست مادر باشد (به استثنای مواردی که مادر با خواست خود باردار شده، اما زایمان مادر به قیمت جان مادر تمام خواهد شد) معنا ندارد که جنین به عنوان وسیله ای برای اهداف مادر تلقی شود. زیرا که مادر خود جنین را بدون رضایت وی ایجاد کرده است (denis, 2007, 564). بنابراین در بارداری ناخواسته و بروز تعارض بین جان مادر و جنین، جان مادر ارزشمندی بیشتری نسبت به جان جنین خواهد داشت. از این رو سقط جنین از سوی مادر عملی اخلاقی و درست خواهد بود.

ب) نقد استدلال پاپاداکمی بر ارزشمندی مادر نسبت

به جنین

برای رد استدلال بالا می توان به استدلال آقای کریستوفر نابز (christopher nobbs) تمسک کرد که معتقد است برخی از موجودات بالقوه نسبت به موجودات بالفعل، از ارزش یکسانی برخوردارند، زیرا موجودات بالقوه، استعداد و توانایی تبدیل شدن به موجودات

موضوعاتی است که فیلسوفان کانتی آن را مورد تبیین قرار داده و در پی استخراج حکم ویژه آن بر اساس قواعد کانت برآمده اند و از آنجا که نظریه کانت درباره این موضوع مورد توجه بسیاری از موافقان و مخالفان قرار گرفته است، پرداختن به نظریه ایشان حائز اهمیت است.

همانگونه که گذشت، امر مطلق کانت سه تقریر کلی دارد که می توان مسأله سقط جنین را در مورد هر کدام از این تقریرها مورد بررسی قرار داد. بر این اساس، تمرکز مقاله حاضر بر تقریر دوم از امر مطلق است.

اصل انسانیت دومین تقریر امر مطلق، عبارت است از این که «چنان رفتار کن که انسانیت را چه در خود و چه در دیگری، همواره به عنوان غایت تلقی کنی نه صرفاً به عنوان وسیله». بر طبق این تقریر، کانت معتقد است انسان ها به سبب برخورداریشان از طبیعت عقلانی، غایت فی نفسه و دارای ارزش ذاتی هستند که نباید صرفاً به عنوان وسیله تلقی شوند.

از این رو مسأله سقط جنین بر اساس این گزاره ها تبیین و نقد شده، این نتیجه به دست می آید که جنین انسان بنا بر نظر کانت، به صورت بالقوه، انسانی عاقل و برخوردار از امیال خودآگاه و ارزشمندی است که می تواند به عنوان غایتی محسوب شود که سقط شدنش مگر در صورت استثنا (خطر مرگ مادر یا بروز مشکلات جسمی بر او و...) به عنوان وسیله تلقی شود، به طوری که سقط شدن جنین از سوی مادر، نقض اصل انسانیت امر مطلق کانت بوده و از نظر اخلاقی نادرست خواهد بود.



بالفعل و ارزشمند را دارند. وی برای استدلال خود مثالی آورده، بیان می کند که رفتار انسان ها نسبت به جوانه گل و خار متفاوت است. در واقع جوانه گل از آن جهت که تبدیل به گل و کناف و نهایتاً تبدیل به بلوز خواهد شد، از ارزش بیشتری نسبت به جوانه خاری برخوردار است که هیچ کاربردی ندارد. بنابراین اگر خود گل ارزشمند باشد، جوانه آن نیز به سبب قوه ای که دارد، ارزشمند خواهد بود. (Nobbs, 2007, 243)

با توجه به استدلال بالا و مثالی که بیان شد، این نتیجه به دست می آید که اگر موجود بالفعلی، ارزشمند باشد، حالت بالقوه آن نیز تا حدودی ارزشمند خواهد بود. از این رو با توجه به مبنای کانتی جنین انسان به جهت برخورداری از قوه تبدیل شدن به انسانی متعقل و برخوردار از امیال خودآگاه، از ارزشی همانند ارزش شخص بالغ برخوردار شده، غایت فی نفسه به شمار خواهد آمد و نباید به عنوان وسیله ای برای استفاده دیگران به کار گرفته شود. بنابراین سقط جنین از سوی مادر در واقع به عنوان وسیله تلقی کردن وی، عملی غیراخلاقی و نادرستی خواهد بود.

نتیجه گیری

به طور کلی در مورد سقط جنین دیدگاه های موافق و مخالفی مطرح شده است که با توجه به ادله و استدلال های خاص، حکم ویژه ای در این باب صادر کرده اند. در این میان، ایمانوئل کانت از جمله برجسته ترین فیلسوفان اخلاقی، با توجه به اینکه قوانین اخلاقی برگرفته از عقل را ارج می نهد، با طرح امر مطلق، بیشترین نقش را در تنظیم روابط اجتماعی انسان ها ایفا نموده است. در واقع او قواعد کلی اخلاق را بر مبنای وظیفه گرایی مطرح کرده و با تقسیم اوامر به دو نوع مشروط و مطلق، معتقد است احکام اخلاقی باید بدون قید و شرط باشند. از این رو امر مشروط را امری اخلاقی نمی داند. وی امر مطلق را امری می داند که طبق آن مردم باید بر اساس آیینی رفتار کنند که بخواهند آن آیین قانونی عام باشد. کانت این اصل را به تقریرهای مختلفی بیان کرده که عبارتند از: اصل تعمیم پذیری، اصل انسانیت و اصل استقلال اراده.

مسأله سقط جنین و استدلال های وارده بر آن، به عنوان یکی از چالش برانگیزترین موضوعات اخلاق کاربردی، از جمله

۱. منابع لاتین

1. Alvarez Manninen, Bertha, "A kantian defense of abortion rights with respect for intrauterine life", Diametros 39 (2014): 70-92.
2. Bordo, Susal, "Are Mothers Persons?" Reproductive Rights and the Policy of Subjectivity. Unbearable Weight: Feminism, Western Culture, and the Body Berkeley: University of California Press, 1993.
3. Claassen, Rutger, "Human Dignity in the Capability Approach", Marcus Düwell, Jens Braarvig, 2014.
4. Denis, Lara, "Abortion and Kant's formula of universal law", Canadian Journal of Philosophy 37.4 (2007): 547-579.
5. Feldman, Susan, From Occupied Bodies to Pregnant Persons: How Kantian Ethics Should Treat Pregnancy and Abortion. In J. Kneller, 1998.
6. Gensler, Harry J, "A Kantian Argument against Abortion", Philosophical Studies, Vol. 49, No.1, pp. 87-28, 1986.
7. Hare, Richard mervin, "A Kantian Approach to Abortion", Social Theory and Practice, 15 (1), 1-14. 1989, pp. 6-8.
8. Hare, Richard mervin, "Abortion and the Golden rule", Philosophy and Public Affairs, Vol. 4, No. 3. 1975.
9. Kaczor, Christopher, The Ethics of Abortion Women's Rights, Human Life, and the Question of Justice, First published. New York: Routledge; 2011.
10. mccooy, ronini, "kantian miral philosophy and the morality of abortion", 2011.
11. Millican, Peter, the complex problem of abortion, collection Ethics in Reproductive Medicine (Springer Verlag, London) , 1992.
12. Nobbs, Christopher, "Probability Potentiality", Cambridge Quarterly of Healthcare Ethics, 2007.
13. O' Neill, O, Constructions of Reason: Explorations of Kant's Practical Philosophy, Cambridge: Cambridge University Press. 1989-1990.
14. Papadaki, Lina. "Abortion and Kant's formula of humanity." HUMANA. MENTE Journal of Philosophical Studies 5.22 (2012): 145-166.
15. Singer, Peter, Practical Ethics Cambridge University Press: Cambridge, (1993): 21-26.
16. Thomson, Judith Jarvis, "a defense of abortion", Jf Phi-

los Public Affairs 1 (1971): 48-9.

17. Tooley, Michael, "Abortion and infanticide", Philosophy & Public Affairs (1972): 37-65.

18. Wareen, Mary Anne, "Moral Status: obligations to Persons and other Living Things" (Oxford: Clarendon press), 1997.

19. Wood, Allen, Kant's ethical thought, Cambridge University Press, 1999.

۲. منابع فارسی

۲۰. اونی، بروس، نظریه اخلاقی کانت، ترجمه علیرضا آل بویه، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۲۱. آل بویه، علیرضا و محسن جوادی، «استدلال از طریق بالقوگی بر عدم جواز سقط جنین»، فصلنامه اخلاق زیستی، سال اول، ۱۳۹۱، شماره دوم.
۲۲. آل بویه، علیرضا، سقط جنین از منظر اخلاقی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، رساله دکتری، ۱۳۹۰.
۲۳. پالمر، مایکل، مسائل اخلاقی متن آموزش فلسفه اخلاق، ترجمه آل بویه علیرضا، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۴. جمشیدی، فاطمه، علیرضا آل بویه، «مری وارن و استدلال بالقوگی بر نادرستی سقط جنین»، فلسفه تحلیلی، ۱۳۹۶، شماره سی و دوم، ص ۲۹-۳۱.
۲۵. داروال، ا و... [دیگران]، فلسفه اخلاق (مجموعه مقالات)، ترجمه مصطفی ملکیان و دیگران، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲.
۲۶. ریچلز، جیمز، عناصر فلسفه اخلاق، ترجمه محمود فتحعلی و علیرضا آل بویه، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
۲۷. سالیوان، راجر، اخلاق در فلسفه کانت، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
۲۸. کانت، ایمانوئل، بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق، ترجمه حمید عنایت و علی قیصری، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹.
۲۹. _____، _____، درسهای فلسفه اخلاق کانت، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، چاپ پنجم، تهران: نقش و نگار، ۱۳۹۳.
۳۰. محمد رضایی، محمد، تبیین و نقد فلسفه اخلاق کانت، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۱. نیگل، تامس و... [دیگران]، دانشنامه فلسفه اخلاق، ترجمه ان شاءالله رحمتی. تهران: سوفیا، ۱۳۹۲.
۳۲. وارویون، نایجل، آثار کلاسیک فلسفه، ترجمه مسعود علیا، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸.



سلامت باشیهم

آشنایی با علل و عوامل کم خونی و راه های درمان آن در طب سنتی

گفتگو با خانم زبیده خدایی،

متخصص در زمینه طب سنتی اسلامی



اشاره:

کم خونی یا آنمی یا فقر الدم (Anemia) اختلال خونی شایعی است که در آن گلبول های قرمز یا هموگلوبین کافی، در خون وجود ندارد. کم خونی ناشی از کمبود آهن، شایعترین گونه کم خونی بوده و بعلت مقدار کم آهن در غذا یا نبود جذب گوارشی آن، برای جبران آهن ازدست رفته ی بدن است. کمبود آهن؛ بدون کم خونی در دختران نوجوان، سبب پائین افتادن کیفیت تحصیلی و ضریب هوشی می شود. در کشور ما نیز آمارها نشان می دهد که کم خونی در بین مادران و دختران بسیار شایع است. به جهت اهمیت این موضوع، گفتگویی را با خانم زبیده خدایی، نویسنده کتاب های خدایا چه بخورم؟، خدایا چگونه شاد باشم؟، خدایا با دردها چه کنم؟، خدایا فرزند سالم و صالح می خواهیم؟، خدایا با چشم زخم چه کنم؟، خدایا با وسواس چه کنم؟ و متخصص و پژوهشگر در زمینه طب سنتی-اسلامی انجام دادیم که در ادامه می آید:



وضعیت تغذیه در عصر کنونی و رابطه آن با سلامتی

اشکنه را نمی‌شناسد. خروجی این سفره و تغذیه ای که اکثر مردم به آن مبتلا هستند، این است که بسیاری از دختران ما آنمی از نوع فقر آهن دارند و با دادن قرص آهن می‌خواهند این کمبود را جبران کنند. اکنون کمتر کسی است که بیماری نداشته باشد. گسترش بیماریهای چون دیابت و یبوست و تیروئید و... در جامعه کنونی به صورت اپیدمی درآمده و طوری شده که گویی از لوازمات زندگی امروزی شده است.

انسانی که مسجود ملائکه است بنا نیست اینهمه بیمار باشد. ما به عنوان خادم سلامت، معتقدیم انسانی که مسجود ملائکه است، بنا نیست اینهمه بیمار باشد. هرچند بیماری جزو زندگی انسان است. اصل و اساس دین، بنا بر کم‌خوری و امساک است، امروز بیماریها، قساوت قلب و بی‌توجهی به دیگران برخاسته از سفره‌های ما است.

تأثیر تغذیه بر هدایت و آرامش معنوی انسان

سلامتی جامعه با دو «سین» شامل «سجاده» و «سفره» محقق می‌شود. بال معنوی که در سجاده تامین می‌شود و بال تغذیه که در سفره محیا می‌شود. تفکیک و عدم توجه به هر یک از این دو، ما را موفق نخواهد کرد.

عوامل کم‌خونی

تغذیه نامناسب یکی از مهمترین علل فقر آهن است. مهمترین و شایع ترین علل بروز کم‌خونی ناشی از فقر آهن، در کاهش مصرف انواع گوشت به ویژه گوشت قرمز (که آهن قابل جذب خوبی دارد) است. همچنین مصرف چای پررنگ همراه با غذا یا بلافاصله بعد از آن و مصرف ناکافی مواد غذایی حاوی ویتامین C

باور و اعتقاد بنده به عنوان یک فرد حوزی که در حوزه سلامت کار کرده‌ام، اینست که اگر خواهان سلامت جسمی خود هستیم، باید قدرت نه گفتن در برابر وسوسه های نفس و محرک های بیرونی را داشته باشیم تا سالم بمانیم. بویژه اینکه در عصر کنونی گسترش میزان تنوع محصولات غذایی، دستکاری ژنتیکی در گیاهان و تغییر در ذاتیات مواد غذایی، باعث شده تا دسترسی به مواد طبیعی، بسیار مشکل باشد. به دلیل ترس از افزایش جمعیت، به تبع آن؛ تولید انبوه در مواد غذایی و افزایش تولید گلخانه ای بوجود آمد و از سویی دیگر، تبلیغات بسیاری که برای مصرف گرایبی وجود دارد. اگر ما خداوند را حکیم رزاق می‌دانیم، باید این باور را داشته باشیم که با افزایش جمعیت، نعمتهای خداوند بازهم جوابگو خواهد بود. خداوند در نعمتهایش، پتانسیلی قرار داده که حتی با مصرف نصف پرتقال، ویتامین C مورد نیاز بدن انسان تامین می‌شود آن هم در فصل سرد سال. ولی وجود نیازهای کاذب باعث شده تا ویتامین C به صورت های مختلف قرص و شربت و... فرآوری شود.

در حدیثی از امام رضا(ع) هست که از آن حضرت در مورد مقدار مصرف گوشت سوال می‌شود. ایشان می‌فرمایند: مصرف گوشت با فاصله کمتر از سه روز نباشد و بیشتر از چهل روز فاصله نيفتد. چون انسان عصبی می‌شود. لذا فیزیکی با متافیزیکی دست در دست هم می‌دهند تا سلامت انسان را تامین کنند.

وجود محرک های بیرونی و تبلیغات بسیاری که برای مصرف فست فود و نوشابه و... هست، موجب شده آرام طبیعی بدن انسان دستخوش تغییر شود و در مواقع بحرانی، زنگ خطر را نمی‌نوازد. همین امر بیماری های بسیاری برایش به ارمغان آورده است. نفوذ فرهنگ غرب باعث شده تا داشته ها و سنتهایی که در امر تغذیه داشتیم، جای خود را به مصرف فست فودها و غذاهای کنسروی و فرآوری شده بدهند. آبگوشت به عنوان غذای سنتی و انواع آش‌ها که ثبت جهانی شده‌اند، فراموش شده و غذاهای فست فودی جایگزین آنها شده اند. نسل جدید ما غذاهایی مانند کالجوش و

مصرف "نخود" کاهش‌دهنده قند خون و مانع کم‌خونی است





متوجه هیچ تغییر قابل توجهی در بدن خود نمی‌شود و در مواردی هم علائم خیلی سریع آشکار می‌شود.

از عمده ترین علائم کم‌خونی می‌توان به رنگ پریدگی چهره، زبان، مخاطها، داخل پلک چشم و لبها، کم رنگ شدن خطوط کف دست، احساس ضعف، خستگی زود هنگام، بی‌حوصلگی، ترس زیاد، خوب بسیار و گاهی در برخی افراد موجب بی‌خوابی می‌شود، رنگ پریدگی، کم شدن حافظه، عدم انگیزه و امید به زندگی، سیاهی رفتن چشم، سرگیجه، سردرد، حالت تهوع، خواب رفتن و سوزن سوزن شدن دستها و پاها اشاره کرد. در طب قدیم با نگاه کردن به پلک چشم و ناخن‌ها و رنگ زبان کم‌خونی را تشخیص می‌دادند. در طب جدید کم‌خونی علاوه بر نشانه‌های فوق با یک آزمایش خون به آسانی قابل تشخیص و مداواست.

درمان کم‌خونی ناشی از فقر آهن به سبک علمی

مراجعه به پزشک، مرحله اول تشخیص کم‌خونی است. زیرا کم‌خونی معمولاً یک نوع درمان مخصوص ندارد و پزشک با تشخیص طبی می‌تواند میزان گلبول‌ها را به حد طبیعی برساند و یا اعضای تولیدکننده گلبول‌ها را با شیوه تخصصی خود تحریک نماید.

به عنوان مثال، در درمان کم‌خونی ناشی از فقر آهن، بیمار با یک

که به طور طبیعی در میوه‌ها و سبزی‌های خام و تازه وجود دارد، همگی سبب بروز این نوع فقر آهن است.

از دیگر علل کم‌خونی، ابتلا به یبوست، مصرف دخانیات، خواب بی‌نظم، مصرف غذاهای سرخ‌شده، ساندویچ‌ها و سوسیس و کالباس و پیتزا و حتی طرز لباس پوشیدن است. پوشیدن لباس‌های تنگ در دین اسلام مکروه است چون می‌تواند در حرکت گلبول‌های قرمز و سفید خون اثرگذار باشد.

عامل دیگر کم‌خونی، مصرف ترشیجات هست که باعث فقر آهن می‌شود و پیری زودرس می‌آورد. همچنین مصرف تنقلاتی که ارزش غذایی چندانی ندارند مانند چیپس و پفک و انواع نوشابه‌ها و شکلات‌های رنگی، موجب می‌شود فرد احساس سیری کاذب داشته باشد و این امر باعث کاهش اشتها شده و با کاهش جذب ماده حیاتی آهن و کم‌اشتهایی، موجب فقر آهن می‌شود.

خونریزی‌های پنهان و آشکار هم یکی دیگر از عوامل کم‌خونی می‌تواند باشد. بویژه دختران در مقایسه با پسران بیشتر در معرض کم‌خونی هستند.

علائم کم‌خونی

هرگونه کم‌خونی ممکن است گاهی با علائم یا بدون علائم باشد و در بسیاری از موارد، آغاز کم‌خونی تدریجی بوده و شخص





نسخه مشتمل بر قرص آهن، خیلی ساده و با هزینه کم درمان می‌شود. ولی برخی خودسرانه قرص آهن مصرف می‌کنند که این عمل خطرناک است؛ زیرا مداوای طولانی مدت، ممکن است باعث رسوب این ماده در رگها شود که خود مشکلاتی را در پی خواهد داشت.

درمان به سبک سنتی:

مواردی که در اینجا بیان می‌شود، بیشتر برای پیشگیری و توانمندسازی نسل جدید است و به هیچ وجه دخالت در امر پزشکی محسوب نمی‌شود. این نوع شیوه‌ها در دنیا به عنوان درمان حاشیه‌ای مطرح‌اند و مردم نیز نتایج خوبی از این شیوه‌های سنتی و تجربی گرفته‌اند.

یکی از راههای درمان کم‌خونی، توجه به خوراکی‌ها است. اینکه چه چیزهایی مفید و موثرند و چه نوع غذاهایی مضر و زیان‌آور. خوشبختانه در باب ماکولات و مشروبات، متون دینی و روایی ما توصیه‌هایی در خصوص تولید، تصفیه و تخلیه خون وارد شده است. خداوند در قرآن کریم در سوره بقره آیه 169 می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا. ای مردم، از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه را تناول کنید.

برخی خوراکی‌هایی که در درمان کم‌خونی مفیدند:

- مصرف مویز روزی 21 عدد به صورتی که دانه دانه جویده و یا مکیده شود.

- مویز و بادام برای فصول پاییز و زمستان رطوبت دهنده هستند و باید مصرف شوند.
- ترکیب سه شیره که شامل شیره انگور و توت و خرما هست. برخی شیره انجیر را هم به آن اضافه می‌کنند.
- مصرف تره در سبزیجات به صورتهای خام یا در کوکو و آش و پلو
- مصرف شنبلیله
- مصرف مواردی خوراکی که رنگ قرمز دارند مانند لبو و سیب قرمز
- خوردن عدس که خونساز خوبی است
- نخود که اسید فولیک زیادی دارد
- گندم که به صورتهای مختلف مصرف می‌شود مانند نان و حلیم و گندم بوداده و ...
- میوه‌هایی مانند انجیر، توت، شاه توت و انار
- مصرف کاهوی قمی که بلند و سبزرنگ است در فصول تابستان و بهار به صورت میان وعده و نه همراه غذا
- مصرف فالوده سیب، بدین صورت که سیب را رنده کرده و همراه با یک قاشق عسل و عرق بیدمشک میل کنند.
- کامل جویدن غذا نیز موجب هضم و جذب بهتر آن می‌شود.





نکته آخر

انسان معجونی از روح افلاکی و جسم خاکی و آمیزه ای از موجود فرشی و دینی است و دین اسلام نسبت به نیاز انسان در همه عرصه ها، برنامه های جامع و قابل اجرا دارد. متأسفانه ما از سفره های خود غفلت کردیم، حال آنکه امروز بحث تغذیه یک بحث جدی است و نگاه امروز حوزه به سفره باید به عنوان بحثی کلان و جدی مطرح باشد. تمرکز بیشتر مبلغان دینی، بر روح افلاکی انسان است و نسبت به تغذیه ی جسم خاکی، که ظرفی برای اوج گیری معنوی است، متأسفانه یا اطلاعات ندارند و یا بها نمی دهند. براین اساس، اگر مسئولیت حوزه علمیه، صرفاً در بعد اخلاقی و معنوی خلاصه شود و رویکردی به تغذیه نداشته باشد، موفق نخواهد بود. نیاز است که واحد مزاج شناسی و واحد تغذیه با رویکرد دینی جزو واحدهای درسی طلاب قرار گیرد.

ما می توانیم با آگاهی دادن در بحث نبایدها، سبک زندگی ها را تا حدی اصلاح کنیم. بحران های رفتاری جامعه را می توان از طریق اصلاح سفره و پویا کردن آشپزخانه و طبخ غذای مطابق فصل و مزاج رفع کرد. خداوند متعال در 27 آیه ی قرآن کریم به کلمه «کُلُوا» اشاره می فرماید؛ این نشان دهنده این است که غذا بر هدایت انسان تاثیرگذار است و این اثرگذاری به حدی است که حضرت آدم علیه السلام را از عرش به فرش آورد. غذا می تواند ما را هدایت پذیر کند و یا از هدایت در مسیر الهی دور سازد. امام حسین (ع) در کربلا به یزیدیان فرمودند: «همه شما از سفارش من سرپیچی می کنید و کلام مرا گوش نمی دهید، زیرا شکم های شما از حرام انباشته شده و قلب های شما مَهر خورده است».

با وجود این همه تغییر و تحول و دخل و تصرف در بخش خوردنیها و آشامیدنیها در غوغای نوآوری صنایع غذایی و آشپزی مدرن راهی جز پناهندگی به پروردگار علیم و حکیم و رزاق نیست که باید خالصانه و خالصانه از او طلب کنیم: "اللهم ارزقنا رزقاً حلالاً طیباً واسعاً"



عمل به آموخته‌ها، بهترین راهکار برای توانمند شدن بانوان در عرصه های زندگی است



گفتگو با استاد رقیه عالمی

اشاره: خانم رقیه عالمی، از اساتید مجرب مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) است. او تحصیلات خود را تا مقطع دیپلم در شهرستان شاهرود در رشته علوم تجربی به پایان رساند و سپس به مدت یک سال در حوزه شهرستان شاهرود به تحصیل علوم دینی پرداخت. پس از ازدواج، به اتفاق همسرش به قم آمد و در مقطع سطح دو جامعه الزهرا (س) مشغول به تحصیل شد. وی در مقطع سطح سه، رشته تفسیر را برگزید و پایان نامه خود با موضوع «بررسی کاربردهای واژه "سلام" در قرآن» را با رتبه عالی دفاع کرد.

خانم عالمی سال ۱۳۹۲ وارد دوره سطح چهار جامعه الزهرا (س) در رشته تفسیر تطبیقی شد و در حال حاضر مشغول نوشتن رساله است. وی پس از گذراندن دوره های تربیت مدرس، همزمان با تحصیل در سطح سه، در مراکز علمی مختلف نظیر جامعه الزهرا (س)، مدرسه معصومیه، بنت الهدی، مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) و دانشگاههای مختلف مشغول تدریس شد. او حدود ۱۴ سال سابقه تدریس در دروس ادبیات عربی و تفسیر و دانش حدیث دارد.

همسرشان هم دارای مدرک دکتری فلسفه و کلام و مدرس حوزه و دانشگاه هستند. حاصل زندگی مشترک شان، یک پسر و دختر است. برای بهره بردن از نظرات این استاد ارجمند، گفتگویی با ایشان انجام دادیم که در ادامه تقدیمتان می شود:

۱. استاد گرامی، از چه زمانی با مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) همکاری دارید؟

سال ۹۴ از طرف مرکز تربیت مدرس به بنده پیشنهاد تدریس نحو تکمیلی شد و من هم قبول کردم. آشنایی و توفیق خدمت به طلاب شهرستانی برایم لذت بخش است.

۲. با توجه به تجربه تدریس در حوزه های علمی خواهران، روند تحصیل و تربیت استاد را در این حوزه ها چگونه ارزیابی می کنید؟

الحمدلله حوزه های خواهران در سطوح مختلف در حال گسترش است که این خود از ثمرات انقلاب است. فقط نکته ای که باید مد نظر مسئولین حوزه باشد، توجه بیشتر به کیفیت است؛ به عبارتی باید سعی شود که کیفیت فدای کمیت نشود. چیزی که من همیشه با حضور در مصاحبه ها با آن مواجه بوده ام، این است که افرادی که مشتاق یادگیری علوم حوزوی هستند، همگی در یک سطح نیستند و نمی توان برای همه ی آنها برنامه ی آموزشی واحدی برنامه ریزی کرد. برخی افراد توان یادگیری بالایی دارند، لذا می توانند در یادگیری علوم حوزوی که حقیقتاً عمق بالایی دارد، موفق شوند. اما برخی دیگر علیرغم شوق فراوان، به هر دلیلی (از جمله شرایط زندگی) توان کافی برای یادگیری این علوم را ندارند. به نظر می رسد باید تدبیری اندیشید که از طرفی درب حوزه را به سوی مشتاقان علوم حوزوی نبندیم و از سویی دیگر، استعداد افرادی که توان علمی خوبی را دارند، شکوفا کنیم. پیشنهاد من این است که حوزه باید دو بخش شود؛ بخشی از حوزه، مخصوص افرادی باشد که به هر دلیلی توان کافی برای یادگیری یا فرصت مطالعه دروس را ندارند. در این بخش یکسری دروس کاربردی تر و سبک تر ارائه شود؛ یعنی دروسی که در زندگی روزمره کاربرد دارد و بخش دیگر حوزه، به افرادی اختصاص یابد که توان یادگیری بهتری دارند و باید سرمایه گذاری بهتری برای آنها شود و امکانات بهتری برای پژوهش در اختیار این گروه قرار داد.

این کار از سویی باعث می شود که رسالت حوزه که آموزش معارف اسلامی است، عملی شود و آغوش حوزه برای همه ی علاقمندان باز باشد و از طرف دیگر افراد توانمند را بهتر دریابیم

و بتوانیم برای آنها سرمایه گذاری کنیم. قرار گرفتن این دو گروه کنار یکدیگر، روند آموزش را با مشکل مواجه می کند. ضمن اینکه برای برخی افراد بی انگیزگی به همراه می آورد. بنابراین باید در مصاحبه علمی و پذیرش طلاب دقت بیشتری شود و تفکیک بهتری صورت گیرد. تساهل و تسامح در مصاحبه های علمی، آسیب های جدی به دین و حوزه وارد می کند.

۳. چه راهکاری برای توانمند شدن بانوان حوزوی در تمام عرصه های زندگی پیشنهاد می کنید؟

عمل به آموخته ها بهترین راهکار برای توانمند شدن بانوان در عرصه های زندگی است. اشکال ما انسان ها این است که گاهی فقط می آموزیم، اما در مرحله عمل هیچ تلاشی نداریم، چون بین این دو مسئله، مرزی را برای خود ترسیم می کنیم؛ حال آنکه علم و عمل باید توأمان باشند و از هم جدا نباشند. دروس حوزوی چون راه درست زندگی کردن را به انسان می آموزد، پس باید همزمان با آموزش، عمل هم داشته باشیم تا به نتیجه مطلوب برسیم.

۴. به نظر شما آیا می توان علوم حوزوی را به صورت کاربردی در زندگی روزمره پیاده کرد؟ اگر بله چگونه و اگر نه در این زمینه پیشنهادی دارید؟

قطعاً بله. زندگی سالم مجموعه ای از دو امر است: درست اندیشیدن و اخلاق نیکو. علوم حوزوی به دلیل کسب فیض از محضر قرآن کریم و اهل بیت (ع)، این دو امر را در خود دارد. اگر این علوم به درستی به طلاب منتقل شود و در کنار تعلیم، الگوی مناسبی هم قرار بگیرد، قطعاً زندگی طلاب متحول شده و به سمت و سوی صحیح خود حرکت می کند. یادم نمی رود که در زمان تحصیل گاهی سخن استادم که برگرفته از تعالیم اسلام بود، چقدر در ذهن نوپای من تأثیرگذار بود، بویژه که در استادم، عمل به این آموزه ها را مشاهده می کردم. جریان حدیث خوانی، چند صباحی است که در حوزه رونق گرفته است. اگر حدیث خوانی روزانه با شرح و توضیح همراه شود، بسیار تأثیر گذار خواهد بود. یکی از کارهایی که گاهی بنده در زندگی شخصی خود انجام می دهم، نوشتن برخی احادیث و قرار دادن آنها در انظار است که این مسئله تأثیر مثبتی در خودم و اطرافیانم دارد.

۵. چه توصیه ای برای دانش آموختگان مرکز



تربیت مدرس صدیقه کبری(س) که به عنوان مدرس در حوزه های خواهران مشغول تدریس هستند، دارید؟

اینکه دلسوزانه و صبورانه به دانش پژوهان خدمت کنند. گاهی طلاب سر کلاس، از حوزه شهرستان خود گلایه ها و شکایاتی داشتند. بخشی از این گلایه ها، به توان علمی اساتیدشان بر می گشت و بخش دیگری به مسائل تربیتی و اخلاقی. من از دانش آموختگان این مرکز، درخواست دارم تا سعی کنند مشکلاتی را که خودشان با تمام وجود لمس کرده اند، برطرف کنند. خودشان را باور کنند و بدانند که قادر به رفع این مشکلات هستند. نکته دیگر اینکه یادشان نرود که استاد در کنار توان علمی، باید طلاب را به سمت و سوی زندگی صحیح راهنمایی کنند و این کار، با عمل به آموخته های قرآن و اهل بیت(ع) حاصل می شود.

۶. چه انتظاری از مسئولین برنامه ریزی در مرکز مدیریت حوزه های خواهران در زمینه آموزشی و حوزه اخلاقی-تربیتی دارید؟

نکاتی که در طی این چند سال به دست آوردم:

۱. برنامه ریزی بهتر جهت استفاده از کارگاه هایی که در طول دوره جهت ارتقاء طلاب برگزار می شود. گاهی این کارگاه ها در زمان مناسبی اجرا نمی شوند و باعث می شود که طلاب فرصت مطالعه دروس را از دست بدهند.

۲. برخی از دروس نیاز به کلاس ندارند. مراکز می توانند به صورت خودخوان به طلاب واگذار کنند و فقط از آنها آزمون بگیرند. در این صورت می توانند به واحدهای دروس اصلی و مهم بیشتر بپردازند.

۳. مراکز حوزوی باید به این سمت و سو بروند که طلاب از همان ابتدا، در شاخه ی مورد علاقه خود، تخصص پیدا کنند. یعنی از قرار دادن دروس جنبی در واحدهای آموزشی خودداری کنند و دروس مقدماتی را در بازه زمانی کمی ارائه دهند تا طلاب سریعتر به رشته ی مورد علاقه خود ورود پیدا کنند.

۷. به نظر شما چه آسیب هایی در حال حاضر دامنگیر طلاب و استادان حوزه است؟

بزرگترین آسیب برای حوزه های علمیه خواهران، انگیزه و تلاش کم است. متأسفانه برخی طلاب در تحصیل علم، بسیار قانع هستند و به اندک بسنده می کنند. مثلاً یکی از کارهایی که در میان برخی طلاب جریان دارد، استفاده از جزوات مختصر و برخی شروح ساده و ابتدایی است که راه تأمل در دروس را بر آنها می بندد و فقط فکر نویسنده جزوه و یا شرح را به ذهن آنها منتقل می کند و اجازه ی پرورش فکر جدید را از آنها سلب می کند. دیگر اینکه متأسفانه مدرک گرایی در حوزه رخنه کرده است. البته اقتضای دنیای علمی امروز، داشتن مدرک هست و حوزه هم قطعاً نمی تواند از این جریان جدا باشد؛ لیکن حوزه باید اصالت علمی خود را حفظ کند. گاهی این مسئله آنقدر شدید است که اضافه کردن چند واحد درسی با اعتراضات شدیدی مواجه می شود و این آسیب جدی است. حوزه باید از نظام های آموزشی جدید، دور نماند و برخی از این قوانین را استحاله و تصحیح کند. برای مدرک گرایی حوزه می توانم این نمونه را بیاورم که من اساتید توانمندی را می شناسم که به صرف نداشتن مدرک، برای تدریس در مراکز حوزوی دعوت نمی شوند که این مسئله ضایعه بزرگی است.

یکی دیگر از مسائلی که بسیار آزار دهنده است، نمره گرایی برخی طلاب است؛ البته گاهی این امر ناشی از توجه مسولین مراکز به این مسئله است. خوشبختانه در مرکز تربیت مدرس



حضرت صدیقه کبری (س) با این جریان مقابله می شود.

مسئله ی مهم دیگری که باید مسئولین مراکز حوزوی به آن توجه داشته باشند و درصدد رفع این مشکل برآیند، این است که علوم حوزوی نیز مانند علوم دانشگاهی، دارای شاخه های مختلفی است، با این تفاوت که در دانشگاهها، از همان ابتدا، دانش پژوه در شاخه ی مورد علاقه خود تحصیل می کند. لذا در مقطع کارشناسی با شاخه ی علمی خود آشنا می شود و زیر ساخت های رشته ی خود را آموزش می بیند و سپس در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، جوانب دیگر رشته ی مورد تحصیل خود را تکمیل می کند؛ اما در حوزه های علمیه، چه برادران و چه خواهران، چندین سال باید درس عمومی را بخوانند و بعد از گذراندن این درس، تازه به رشته ی مورد علاقه خود وارد

شوند. این امر چندین پیامد دارد: ۱. انرژی و

توان بالای طلاب در بدو ورود از دست می رود، چون هر کدام از طلاب با علاقمندی به رشته ی خاصی وارد حوزه می شوند، ولی وقتی می بینند تمام وقت شان را باید به دروسی بگذرانند که خیلی به رشته شان مرتبط نیست، دلسرد می شوند. البته درس حوزوی یه سری زیر ساخت هایی برای تمامی رشته ها دارد که باید به آنها پرداخت، مثل ادبیات عربی و اصول. لیکن می توان آنها را از نظر زمانی و محتوایی محدودتر

کرد و برخی از آنها را به طلاب واگذار نمود تا در صورت نیاز به دنبال این علوم بروند. اینکه طلاب مجموعه ای از علوم را به صورت گذرا در زمانی طولانی، آموزش ببینند و این علوم دارای عمق نباشد، باعث می شود که طلاب پاسخگوی شبهات و نیازهای روز نباشند. ولی اگر تخصصی کار شود، طلاب سریعتر وارد عرصه ی علمی می شوند و هر فردی مناسب با رشته ی خود پاسخگوی نیازهای جامعه می شود.

۲. ثمره ی تخصص طلاب، دیر به نتیجه می رسد، یعنی اگر یک دانشجو در مقطع ارشد که مجموع تحصیل در کارشناسی و ارشد ۶ یا ۷ سال است، می تواند در تخصص خود وارد شود. اما یک طلبه ی خواهر، حدود چهار سال، فقط مقدمات علوم

حوزوی را می خواند و تازه با ورود به سطح سه هم درس جانبی دامنگیر او خواهد بود. خودتان قضاوت کنید آیا دو سال سطح سه، زمان مناسبی برای تحصیل در رشته ی تخصصی طلبه است و آیا تبحر خوبی به دست می آید؟ با توجه به دنیای امروز که هر کدام از علوم به شاخه های بسیار متعددی تقسیم می شود و هر شخصی می تواند در تعداد محدودی از زیر شاخه ها تخصص به دست آورد، مسئولین باید به این مسئله توجه جدی کرده و این معضل بزرگ را حل کنند تا از توان جسمی و فکری طلاب جوان بتوانند بهتر استفاده کنند و همچنین راه ورود طلاب به مراکز علمی را سرعت بخشند.

۸. به نظر شما آیا حوزه های علمیه می توانند در کاهش آسیب های اجتماعی اثر گذار باشند؟

بله قطعاً؛ یکی از مهم ترین تاثیراتی که فعالیت حوزه های علمیه به عنوان نهاد های فرهنگی و معنوی در جامعه ایجاد می کند، کاهش آسیب های اجتماعی است. زمانی که طلاب آموزه های اخلاقی اسلام را که در حوزه می آموزند و در زندگی شخصی به کار گیرند و همواره سرلوحه کارهایشان قرار دهند، بر اطرافیان خود نیز تاثیر گذاشته و به صورت عملی؛ که موثرترین شیوه تبلیغ است، آنها را به اسلام و اخلاق اسلامی

دعوت می کنند. بی شک، عمل براساس موازین دین مقدس اسلام عاملی حیاتی برای مقابله با آسیب های اجتماعی است. قطعاً حضور یک روحانی عالم و عامل به آموزه های دین در یک منطقه می تواند تحول بسزایی را ایجاد کند ما نمونه های بسیاری از این موارد را در جامعه دیده ایم.

۹. در رابطه با تدریس، به نظر حضرتعالی کاربرد متدها و روشهای نوین آموزشی در فرایند تدریس چه ضرورت و اهمیتی دارد؟

یک طلبه باید به روز باشد و روشهای جدید آموزشی را بشناسد. البته اینطور نیست که روشهای نوین آموزشی همگی صحیح باشند، اما خوب است همواره روش های آموزشی خود را

قطعاً یکی از مهم ترین تاثیراتی که فعالیت حوزه های علمیه به عنوان نهاد های فرهنگی و معنوی در جامعه ایجاد می کند، کاهش آسیب های اجتماعی است. بی شک عمل براساس موازین دین مقدس اسلام عاملی حیاتی برای مقابله با آسیب های اجتماعی است.



۱۱. آیا کتبی که در حال حاضر در حوزه تدریس می شوند و شیوه‌های کنونی تدریس در حوزه، پاسخگوی نیازهای جامعه هست یا باید تغییری صورت گیرد؟

کتب حوزه نسبت به گذشته رشد بهتری داشته ولی هنوز جای کار دارد. برخی از مطالب باید از کتب حذف شود، چون

علیرغم زمان طولانی که برای تدریس این مباحث گذاشته می شود، بهره ی چندانی در آنها دیده نمی شود. حتی برخی از آنها در زمان کنونی اصلا کاربرد ندارد. ضمن اینکه در کتاب های حوزه خواهران باید مباحثی مطرح شود که مناسب با نیازهای بانوان باشد.

۱۲. برخی طلاب، با انگیزه بالا وارد حوزه می شوند، ولی اندکی بعد این شور و انگیزه را از دست می دهند، علت این امر چیست؟

برای یافتن علت این امر نیاز است به شخص طلاب توجه کرد. هرچند طبیعی است که در ابتدای هرکاری، انگیزه افراد بالا

باشد. نکته مهم این است که باید در درجه اول خود طلاب و سپس مسئولین حوزه تلاش کنند و تمهیدات لازم را به کار گیرند تا انگیزه طلاب همیشه در سطح بالایی بماند و نشاط و شور و عشق به تحصیل همواره تا پایان این مسیر متعالی همراه طلاب باشد. شاید یکی از علل دلسردی طلاب پس از ورود به حوزه، این باشد که آنها با تصوراتی رؤیایی وارد حوزه می شوند و تحمل کوچک ترین سختگیری از سوی قوانین یا اساتید و مسئولین حوزه را ندارند و در صورت مواجهه با ناملایمتی از سوی حوزه و مسئولان آن، انگیزه شان کاهش می یابد. یا وقتی به واحدهای آموزشی این مراکز نگاه می کند و می بیند نقاط ضعف بسیاری دارد، قطعا کاهش انگیزه برای ادامه تحصیل خواهند داشت. به عنوان نمونه وقتی فردی، علاقمند به شاخه ی درسی خاصی

ارزیابی کنیم و برای بهتر شدن امر آموزش و یادگیری تلاش کنیم و اگر روش های نوین آموزشی را در عرصه ای موفق تر و مناسب تر از روش های جاری یافتیم، اصلاحات لازم را برای رشد هر چه بیش تر کیفیت آموزش انجام دهیم. تعدادی از سیستم های آموزشی قدیم در عصر امروز پاسخگو نیست. بسیاری از آنها باید متحول شود. البته حوزه هم چنین اقداماتی

را داشته است. مثلا در قدیم چنین رسم بر این بود که درس را باید استاد جزء به جزء برای شاگرد بگوید، لیکن در دنیای امروز چنین نیست. امروزه نظامهای آموزشی درصدد این هستند که ذهن دانش پژوهان را بارور کنند و از گفتن جزء به جزء درس خودداری کنند. به عبارتی، نظام آموزشی استاد محوری، جایش را به شاگرد محوری داده و این تغییر صحیح و مبارکی است که باید در حوزه و دانشگاه مورد توجه قرار گیرد.

۱۰. به نظر شما، ویژگیهای استاد نمونه چیست؟

استاد حوزه علمیه نسبت به استاد سایر مراکز، مسئولیت سنگین تری برعهده دارد. استاد حوزه علمیه باید دو بال علم و عمل را با هم داشته باشد، از یک سو باید توان علمی بالایی داشته باشد، یعنی دروس را با دل و جان فهمیده باشد تا بتواند آنها را در وجود طلاب بنشانند و ذهن آنها را بارور کند و طلاب را کنجکاو و طالب علم و پژوهش کند، از سوی دیگر باید عمل به آموزه های حوزه در رفتار هایش پررنگ باشد، صبور باشد و به این واسطه دل شاگردانش را با خود یعنی در واقع با آموزه های اسلام همراه کند. یک استاد باید آنچه را که به صلاح طلابش است، اجرا کند و توجهی به مدح یا ذم آنها و دیگران نداشته باشد. گاهی اوقات عده ای از دانش پژوهان، طالب سهل گیری استاد در دروس هستند، ولی استاد برتر کسی است که توجهی به این امر نداشته باشد. با رعایت حال آنها، توجه خود را معطوف به چیزی کند که به صلاح طلاب است.



سرمایه های علمی پرتوانی که در حوزه داریم، از دست نروند و بتوانند به کشورمان خدمات شایسته ای داشته باشند.

۱۴. در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید.

دوست دارم نکته ای را که همیشه در کلاسهایم به طلاب متذکر می شدم، بار دیگری بیان کنم، عزیزانم خودتان را باور کنید و بدانید می توانید با تلاش بر تمامی مشکلات فائق آید و همیشه از اینکه در زمره ی سربازان امام زمان (عج) قرار گرفته اید، افتخار کنید و کاری کنید که امام زمان (عج) هم از شما راضی باشد. در پایان از زحمات مسئولان و عزیزانی که در مرکز حضرت صدیقه کبری (س) خدمت می کنند، تشکر می کنم و امیدوارم اجر زحماتشان را از صاحب نام این مرکز دریافت کنند و از خداوند متعال درخواست می کنم که توفیق خدمت به جوانان این مرزوبوم را از ما نگیرد و ما را در راه دفاع از اسلام و انقلاب عزیزمان ثابت قدم بدارد. «رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صبراً وَ ثَبِّت أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» اِنْ شَاءَ اللهُ با سپاس از فرصتی که در اختیار نشریه قرار دادید.

است، وقتی می بیند باید چهار سال و بسا بیشتر، فقط به دروس مقدماتی پردازند؛ قطعاً انگیزه ی خود را ازدست خواهد داد.

۱۳. شما به عنوان استاد حوزه، حضور روحانیون را در مراکز علمی چگونه ارزیابی می کنید؟

اعتقاد بنده این است که دروس حوزوی بسیار غنی هستند و طلاب علوم دینی، اگر با تمام توان به تحصیل پردازند، افراد بسیار موفق خواهند بود. همانطور که از این گونه افراد در مراکز علمی کم نداریم. اما از نکته ای که در پاسخ به سؤالات قبلی عرض کردم نباید غافل شد. وقتی طلاب زمان زیادی را برای تحصیل دروس مقدماتی سپری می کنند، قطعاً خیلی دیر به مراکز علمی پا می گذارند. زیرا تخصصی که می توانند در مراکز علمی از آن استفاده کنند، بسیار دیر حاصل می شود و در نتیجه این ظرفیتها توسط افراد غیر حوزوی خیلی سریع تکمیل می شود و دیگر جایی برای ورود طلاب مستعد و پر تلاش حوزه نخواهد ماند. اگر می خواهیم حوزه در تمام مراکز علمی رشد و نمو داشته باشد، باید به این مسئله توجه جدی کنیم تا این همه



بجارج ۱۶، ص ۳۳۲
همه ما اهل بیت کشتی نجاتیم اما کشتی جدم حسین و سید مرتضی است
امام صادق علیه السلام
و در عبور از امواج سهمگیر دریاها سیرت را



قلندر و قلعه

زهرا کریمی

پرواز هست، والدین خویش را راضی می‌کند تا برای فراگیری علوم مختلف به شهرهای دیگر سفر کنند. سهروردی در علم‌اندوزی مرزی برای خود متصور نبود. برای یادگیری علوم سفرها و مشقت‌های زیادی را به جان خرید، اما پس از تلاش‌ها و درس خواندن‌های بسیارش سرانجام به جایی رسید که ادامه دادن درس خواندن را بی‌فایده دانست و به سمت عرفان و تصوف روی آورد.

در این حین روزی که در حال گذر از آتشکده زرتشتیان بود با مُغ (آتشبان آتشکده‌های زرتشتیان) آشنا شد و در پی هم‌صحبتی با او روحی تازه در حرف‌هایش یافت؛ حرف‌هایی که احساس می‌کرد پیش از مغ از زبان دیگری نشنیده بود. در همان آتشکده با دختر مغ، سیندخت آشنا و شیفته او شد. سیندخت که آینده را از پیش می‌دانست، در اوج لحظه‌های عاشقانه زندگی سهروردی حضور یافت و سمبل زیبایی بر این لحظات عاشقانه شد. البته گاهی با بی‌رحمی با شیخ حکیم داستان برخورد می‌کند، اما روحی لطیف به عمق داستان می‌بخشد. به گفته نویسنده، سیندخت که از شخصیت‌های محبوب این

«قلندر و قلعه» کتابی است که داستان زندگی شیخ شهاب‌الدین یحیی بن حبش سهروردی را با زبانی شیرین و روان به قلم تحریر درآورده است. شیخ شهاب‌الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق از حکما و عرفای ایرانی بزرگ قرن ششم هجری است. این روایت از داستان زندگی سهروردی به قلم دکتر سیدیحیی یثربی (استاد رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه علامه طباطبایی) نوشته شده است.

دکتر یثربی که در این اثر وقایع تاریخی و دیدگاه‌های فلسفه سهروردی را به تخیل و فنون نویسندگی خود آمیخته است، اثری درخور توجه نگاشته که با زبانی ساده و گیرا، هم زندگی‌نامه شیخ اشراق را به شیوه‌ای دقیق و قوی و همین‌طور راه و رسم عارف مسلکانه او را که میراثی ارزشمند برای حکما و فرزندانگانش پس از خود است، برای خواننده بازگو می‌کند.

داستان در فضای قرن ششم هجری و با کودکی شهاب‌الدین آغاز می‌شود، زمانی که یحیی در کودکی هر شب خواب می‌بیند که می‌خواهد پرواز کند ولی برای پرواز یک بال بیشتر ندارد. وقتی که متوجه می‌شود علم و دانش همان بال دیگر او برای

قلندر و قلعه

داستانی بر اساس زندگی شیخ شهاب الدین سهروردی

نویسنده: سید یحیی یثربی

کتاب برای خوانندگان به شمار می‌آید از واقعیت تاریخی برخوردار نبوده و از خیال‌پردازی‌های نویسنده به داستان افزوده شده است. نویسنده در مقدمه کتاب می‌نویسد: «گرچه این نوشته بر اساس آثار عربی و فارسی سهروردی رقم خورد، اما به اقتضای طبیعت داستان، خیال هم مجال داشت».

سخنان مغ و سیندخت چنان در روح بی‌آلایش یحیی اثر می‌کند که سهروردی تصمیمی برای تغییر مسیر زندگی خود می‌گیرد؛ توشه به سفری می‌بندد که سرآغاز شهرت او در فلسفه و عرفان می‌شود، راهی که برای او بنیان‌گذاری فلسفه اشراق و سر به حلقه چوبه دار سپردن را به همراه داشت...

خواندن کتاب قلندر و قلعه، خواننده را با سوالاتی مواجه می‌کند که علاقه‌مند به خواندن و شناختن بیشتر از سهروردی شود. این داستان زیبا در عین حفظ کشش داستانی، نکاتی فلسفی از حکمت اشراقی را با زبان ساده بیان می‌کند، از جهل و تهجر زمانه سخن می‌گوید. نمونه زیبا و قابل توجهی از این مورد را می‌توان در بخشی از کتاب که به جلسه محاکمه دادگاهی شیخ می‌پردازد، خواند.

پیشنهاد ما این است که اگر از خواندن رمان‌هایی با درون مایه قوی، ریشه‌های تاریخی و فلسفی لذت می‌برید، حتماً از خواندن این کتاب لذت خواهید برد.

بخش‌هایی از کتاب:

«من طعمه کرم‌ها نخواهم شد، زیرا جایگاهم را در آن سوی ستارگان به چشم خود دیده‌ام.»

«کار انسان این نیست که عصاره نعمت‌های الهی را بمکد و تبدیل به کثافت کند. اگر همه کائنات را مسخر او کرده‌اند، برای آن است که او بار امانتی بر دوش دارد که بر زمین و آسمان سنگینی می‌کند. او به جایگاهی می‌تواند برسد که فرشته را به آن راه نیست.»



کلیدهای طلایی برای داشتن شخصیت مثبت

گردآورنده: زهره عزیزی

همانگونه که رژیم جسمانی نقش مهمی در سلامت و انرژی شما دارد، رژیم ذهنی نیز تعیین کننده شخصیت و اتفاقات زندگی است.

شما می توانید صریح و شفاف تصمیم بگیرید و به ذهن خود کاملاً مسلط شوید. یعنی احساسات و تفکرات منفی و منقبص کننده را دور ریخته و دارای شخصیتی کاملاً مثبت اندیش شوید. شما قادر هستید با تغذیه اندیشه های مثبت از طریق کتاب ها، گفتگوها، برنامه های شنیداری و اندیشه های زیبا، اطلاعات دیدگاه های شخصیت خود را متحول ساخته و اعتماد به نفس و خودباوری تان را بالا ببرید.

تناسب ذهن نیز مانند تناسب اندام است. با آموزش و تمرین می توانید خودباوری و نگرش مثبت را که آرزوی هر انسان سالم و توانمندی است، در خود پرورش داده و با این ابزار محکم و استوار، زندگی پرانرژی و شادی را برای خود و اطرافیانتان رقم بزنید. در اینجا برایتان پیشنهاد و راه حل هایی داریم.

چند کلید طلایی برای شخصیت مثبت داشتن

اول: مراقب سلامتی جسم خود باشید

از همین امروز تصمیم بگیرید که تا سن کهنسالی شاد و پرتحرک زندگی کنید، در این رابطه:

- ۱-۱ غذاهای سالم نوش جان کنید، البته متعادل و کم. یک رژیم غذایی خوب تاثیر مثبت بر احساسات و تفکرات شما دارد.
- ۲-۱ منظم ورزش کنید. حداقل ۲۰۰ دقیقه پیاده روی در هفته، شنا، دو، دوچرخه سواری و یا کار با دستگاه های ورزشی، ورزش همراه با برنامه ریزی، به شما احساس شادمانی و سلامتی می دهد. شما نسبت به کسی که بعدازظهر خود را می نشیند و تلویزیون تماشا می کند و یا به بطالت می گذراند، خستگی و فشار کمتری خواهید داشت.
- ۳-۱ باتری های انرژی خود را شارژ کنید، استراحت به اندازه کافی و به طور منظم داشته باشید؛ خصوصاً در زمانی که زیر فشار روانی و سختی هستید. از جمله این موارد برای بانوان، سیکل عادت ماهیانه می باشد.

دوم: برای ذهنتان، خوراک ذهنی مثبت تهیه کنید.

ذهن خودتان را به جای "شیرینی های ذهنی" با "پروتئین های ذهنی" تغذیه کنید.

- ۱-۲ خواننده کتابها، مجلات و مقالات الهام بخش، آموزنده و انگیزه دهنده باشید. ذهن خود را با ایده ها و اطلاعاتی که موجب شادمانی و تعالی تان می شود و شما را نسبت به آرزوهایتان مطمئن می سازد، تغذیه کنید.
- ۲-۲ فیلم ها و برنامه های مثبت و آموزشی تماشا کنید. سعی کنید در دوره های آنلاین که به دانش تان می افزاید، شرکت

کنید. برنامه هایی که به شما حس بهتری نسبت به زندگی می دهد.

۲-۳ هنگامی که در ماشین، قطار و... هستید، به مطالب شنیداری مثبت و سازنده گوش دهید؛ یعنی با وارد کردن پیام هایی مثبت به ذهن خود، باعث بهتر اندیشیدن و بهتر عمل کردن شوید و در رشته کاری و تحصیلی خود توانا تر و کارآمدتر شوید.

سوم: با افراد مثبت اندیش دوست شوید.

از مهمترین عواملی که بیشتر از هر عاملی، بر احساسات و موفقیت شما تاثیر می گذارد، انتخاب درست افرادی است که با آن زندگی، کار و تعامل دارید.

۳-۱ توصیه می شود تصمیم بگیرید با افراد مثبت، شاد، خوش بین و کسانی که در زندگی اهداف بزرگ دارند، معاشرت کنید. این امر موجب می شود تا شما هم مثبت اندیش شوید.

۳-۲ تمام تلاش خود را بکنید تا از افراد منفی دوری کنید. چرا که این افراد می توانند سرچشمه ناراحتی های زندگی شما باشند. از این پس افراد منفی و اضطراب آور را به زندگی تان حتی المقدور راه ندهید.

چهارم: با خودتان با لحن مثبت، صحبت کنید. در صحبت و گفتگوی درونی، از عبارات تاکیدی مثبت، اول شخص و زمان حال استفاده کنید؛ مانند "من احساس فوق العاده خوبی دارم".

ذهن مانند باغچه ای است که اگر در آن گل بکارید، برداشتن گل است و اگر از گل مراقبت نشود، علف های هرز بدون هیچ تلاشی در آن رشد می کنند. پس کسی که ذهن را کنترل می کند، خود ما هستیم که باید با خودمان مثبت صحبت کنیم و گفتگوی درونی خود را کنترل کنیم. **پنجم:** معجزه آموزش مستمر و پیشرفت صحیح را دست کم نگیرید.

آموزش و پیشرفت شخصی دراز مدت، شما را از فرش به عرش، از فقر به دارایی و از شکست به موفقیت می رساند. زمانی که خودتان را به یادگیری، رشد، بهتر شدن در افکار و

فعالیت ها متعهد می کنید، یعنی شما به زندگی تان مسلط می شوید و با این شیوه، سرعت رسیدن به اوج را افزایش می دهید.

ششم: از خودتان انتظارات مثبت داشته باشید.

این امر یک تکنیک بسیار قوی است که شخص مثبت اندیش، با بکارگیری آن می تواند زندگی مثبت تر و بهتری را برای خود رقم زند.

از آنجایی که فرد خودش انتظاراتش را انتخاب می کند، پس همیشه بهترین ها را بخواهید و از خودتان انتظار موفقیت داشته باشید. زمانی که شما پیوسته در انتظار اتفاقات خوب هستید، به ندرت ناامید می شوید. بهترین راه رسیدن به شخصیت مثبت داشتن، اینست که دائما انتظار دست یابی به اهداف عالی و خلق زندگی شگفت برای خود داشته باشید. فرد امیدوار به ظهور منجی، هرگز ناامید نمی شود و امیدوار است که او را دعای فرج یاری می کند.

هفتم: جمله "یک روز بالاخره انجامش می دهم" را به همین امروز تبدیل کنید.

این کار را تجربه کنید و ملاحظه کنید چقدر شاد می شوید. اگر شما از جمله افرادی هستید که از جمله ی "یک روز انجامش می دهم" خیلی زیاد استفاده می کنید، لطفا امروز را همان روز بدانید.





طرز تهیه ایران شوربا غذای لذیذ استان زنجان

در این نشریه بنا داریم تا در هر شماره، شما را با یکی از غذاهای سنتی کشور عزیزمان آشنا کنیم. به همین جهت دیدیم که زیباست که این غذاهای محلی را خود طلاب مرکز تربیت مدرس که ساکن آن منطقه هستند، معرفی کنند. در این شماره، شما را با یکی از غذاهای لذیذ استان زنجان که خانم زهرا قلیچ خانی معرفی کردند، آشنا می کنیم. ایران شوربا یکی از غذاهای سنتی استان زنجان است که در مراسم‌ها از آن استفاده می‌شود و هنوز هم محبوب بسیاری از خانواده‌هاست. قابل توجه شما خوانندگان گرامی که خانم قلیچ خانی، این غذا را در جشنواره غذاهای سنتی که در مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) برگزار شد، طبخ کردند که با استقبال خوبی هم مواجه شد. این شما و غذای ایران شوربا:

مواد لازم (برای ۵ نفر):

- گوشت آبگوشتی: ۵۰۰ گرم
- نخود: ۱ پیمانه
- پیاز: ۲ عدد
- کشک محلی: نیم کیلو
- زردچوبه و نمک: به مقدار لازم

طرز تهیه:

ابتدا پیاز را خرد کرده و با گوشت تفت دهید. سپس نمک و زردچوبه را به آن اضافه کنید. در مرحله بعد نخود را به همراه آب، به مخلوط گوشت و پیاز اضافه کرده و روی حرارت بگذارید تا به جوش آید. سپس حرارت را ملایم کرده و اجازه دهید خوب بپزد. پس از پخته شدن گوشت و نخود، کشک را به آن اضافه کرده و مرتب هم بزنید تا بجوشد. بعد از ۵ دقیقه غذا آماده سرو است.

باتربیت مبلغین خواهرمی توان در کاهش آسیب‌های خانوادگی گام اساسی برداشت

اشاره:

دیپلم انسانی دارد. سال ۱۳۸۳ وارد دانشگاه شد و رشته حقوق خواند. پس از فارغ التحصیلی، در آزمون وکالت شرکت کرده و قبول شد. ولی با این حال، در سال ۱۳۸۷ به دلیل علاقه ای که به درس حوزوی داشت، تحصیلات خود را در حوزه ادامه داد. پس از گذراندن دوره مقدماتی، به سفارش استادانش، در دوره تربیت مدرس شرکت کرده و به مدت سه سال در قم، مشغول تحصیل در رشته مطالعات اسلامی زنان شد. خانم مریم خدام، زاده ۲۳ بهمن ۶۴ است که پس از فارغ التحصیلی از مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س)، در حال حاضر در راستای رشته تحصیلی خود، مباحث مربوط به زن و خانواده را در حوزه های علمیه خاوران شهر اراک تدریس می کند. همچنان که در رشته وکالت هم قصد فعالیت دارند.



۱. لطفا بفرمایید که چگونه با مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) آشنا شدید و برای تحصیل به این مرکز آمدید؟

از طریق اساتیدی که در حوزه داشتم. ایشان این مرکز را به من معرفی کردند و تشویق کردند تا برای ادامه تحصیل به این مرکز بیایم.





۲. با توجه به تجربه تدریس که در حوزه های علمی خواهان در این چند سال اخیر کسب کردید، روند تحصیل و تربیت استاد را در این حوزه ها چگونه ارزیابی می کنید؟

به نظر بنده حوزه ها در راستای تخصصی نمودن تدریس دروس، در حد انتظار نیستند. بخشی از آن، به دلیل نبود امکانات، بویژه در شهرستان ها است. باید در کنار مجوز تدریس، دوره ای کوتاه مدت نیز برای اساتید برگزار شود و تا آنها از تجربیات دیگر اساتید بهره بگیرند و تبادل تجربیات و اطلاعات صورت گیرد. تنها مرکزی که به صورت تخصصی به این امر می پردازد، مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) است. البته این مرکز هم با توجه به حجم بالای سرفصل ها، در تامین این هدف چندان موفق عمل نمی کند. پیشنهاد من اینست که پس از اتمام دروس سطح سه، در یک دوره فشرده، به اساتید آموزش داده شود و بعد از آن بتوانند مجوز تدریس دریافت کنند.

۳. شما چه راهکاری برای توانمند شدن بانوان حوزوی در زمینه همسرمداری و تربیت فرزند پیشنهاد می کنید؟

به نظر می رسد در ابتدا لازم است که این مباحث در قالب تئوری در سرفصل دروس قرار گیرد و در مرحله بعد، از حضور اساتید برجسته ای که در این حوزه، فعالیت کرده اند، در قالب جلسات منظم و کارگاهی بهره گرفته شود. ایجاد کانال ارتباطی در فضای مجازی، معرفی منابع مفید در این زمینه، ایجاد کارگروه هایی برای رونق دادن به مباحث و انجام آن به صورت تخصصی و پرداختن به مسائل و مشکلات نیز می تواند راهکارهای خوبی باشد.

۴. به نظر حضرتعالی، با چه راهکار و برنامه ای می توان در مدیریت بین ابعاد علمی و مسائل روزمره زندگی موفق عمل کرد؟

می توان گفت اولین اقدام در این زمینه، بازنگری در منابع آموزشی است. مباحث فقهی کلامی را می توان با مسائل روزمره گره زد و همراه با مقتضیات جامعه، به صورت کاملا کاربردی بیان کرد. برگزاری سلسله نشست ها و جلسات با موضوعات محوری روز و چالش برانگیز، و نیز برپایی کرسی های آزاد اندیشی، می تواند در کاربردی کردن مطالب و مدیریت آن مفید باشد.

۵. چه توصیه ای برای دانش آموختگان مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) که به عنوان مدرس در حوزه های خواهان مشغول تدریس هستند، دارید؟

در راستای دروسی که فراگرفته اند، علاوه بر تدریس، فعالیت هایی در قالب کارگاه کرسی آزاداندیشی و جلسات پرسش و پاسخ برقرار کنند.

۶. چه انتظاری از مسئولین برنامه ریزی در مرکز مدیریت حوزه های خواهان دارید؟ آیا اگر در برنامه ریزی سرفصل های دروس، جنسیت را لحاظ کنند، شایسته است؟

اگر در برنامه ریزی ها، از نظرات افرادی که در این زمینه تجربه بیشتری دارند، استفاده کنند، مثمرتر خواهد بود. با توجه به بحث جوانگرایی که مطرح است، افراد جوان و آشنا با مسائل و مشکلات جامعه، ریاست حوزه را برعهده داشته باشند. هم اندیشی سالیانه مدیران و پرداختن به مشکلات و معضلات حوزه ها و پیاده سازی آن هم راهگشاست، نه فقط صرف گزارش دادن. برنامه ها و اهداف خرد و کلان را مشخص کرده و برای رسیدن به آن تلاش مضاعف کنند. قطعا در سرفصل ها جنسیت باید لحاظ شود و در برنامه ریزی آموزشی، از نظرات افراد متخصص در این امر استفاده شود.



آموزش، می تواند ابزاری مفید برای تبلیغ هم باشد. توجه به نیاز و سلیقه مخاطب نیز در امر تدریس بسیار اهمیت دارد.

۱۰. در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید؟

یکی از نکاتی که باید توجه بیشتری به آن شود، این است که تعامل بیشتری بین حوزه و دانشگاه برقرار شود. از ظرفیت ها و همچنین اساتید دانشگاهی در حوزه ها بهره بیشتری گرفته شود. نخبه پروری در حوزه ها و دوری از کمیت گرایی و توجه بیشتر به کیفیت، باعث می شود حوزه ها به سمت پرورش متخصص در هر زمینه ای و استعدادیابی قدم بردارند.

باسپاس از فرصتی که در اختیار نشریه گذاشتید.

۷. مهمترین نقدی که به طلاب از جهت تحصیل و عمل وارد است، به نظر شما چیست؟

یکی از مهمترین نقدها، نداشتن برنامه و هدف مشخص است. البته بخشی از این نقد، به عملکرد حوزه بازمی گردد. عدم آشنایی با مسائل و مشکلات جامعه، عدم مسئولیت پذیری و عدم دریافت رسالت عظیم حوزه ها هم متأسفانه از دیگر نقدهای وارده به طلاب است.

۸. به نظر شما آیا حوزه های علمیه می توانند در کاهش آسیب های اجتماعی اثر گذار باشند؟

بله بسیار زیاد. چرا که یکی از آسیب های اجتماعی، ترویج روحیه یاس و ناامیدی و ضعف مسائل اقتصادی است. وجود حوزه علمیه خواهران هم بسیار راهگشاست. با تربیت مبلغین خواهر چه در عرصه آموزش و در چه در عرصه تربیتی، می توان در کاهش آسیب های خانوادگی گام اساسی برداشت. همچنین مجهز بودن طلاب به دانش روز و پیوند آن با مسائل دینی نیز تاثیر بسیاری خواهد داشت.

۹. به نظر حضرتعالی، کاربرد متدها و روش های نوین آموزشی در فرایند تدریس چه ضرورت و اهمیتی دارد؟

این امر، علاوه بر جذاب شدن تدریس و بالا رفتن کیفیت



اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 پروردگارا زندگانی مرا مانند زندگی محمد آل و محمد و رحلت مرا نیز مانند
 رحلت محمد آل و محمد قرار بده.

بسم الرب الحسين

م. باران

بغض را فرومی خورم با چشمان موج از دریاچه اشک و دلتنگی، گریان و کوچان سفر می کنم به دشت تقدیده عشق پر بلا...
با بال شکسته‌ی دل، همراه با کاروانی به رنگ خون و جنس خاک از تبار آسمان، لرزان و افتان و بی تاب به آن دور دست
ها، به غروب عاشورا می رسم. پاهایم تاب ایستادن ندارد، بر لب خشکیده ام زمزمه می کنم:

انگار تمام شهر تسخیر شده

بنگاه فروش غل و زنجیر شده

از چارطرف حرمه ها آمده اند

بازار پر از نیزه و شمشیر شده...

با چشم دل نظاره می کنم باوفاترین اصحاب تاریخ را...

آقایم را که با قلب جریحه دارش، با هر ضربه فرق علی، فریاد ماشاءالله! ولا حول و لا قوه الا باللهش، به یک باره به زمزمه
... انالله وانا الیه الراجعون ختم می گردد. چشم می بندم؛ شاید لحظه‌ای آرامش لازم است، ناگاه گلوی نازنین طفل شیرخواره
به یکباره دریده شد... با خود زمزمه می کنم:

در حنجره‌ی زمانه، تابید اصغر

هی گریه نکرد! هی ننالید اصغر

دیگر نگران نباش آرام بگیر

آسوده تر از همیشه خوابید اصغر

فریاد دل را می شنوم... آرام بگیر... کمی آرام بگیر، غم سنگین است، تو را تاب مرور این غم نیست... اما وای از سقا...

صدای ناله‌ی اهل حرم، وجودم را به آتش می کشد! حرم!... عمو!... آب!... عطش!...

ماه و خورشید سراسر به تماشا آمده

گویا رایحه‌ی حضرت مولا آمد

آسمان فرش شد و زیر سم اسپش ریخت

عرشیان همه‌ه کردند که: سقا آمد!

آب از هیبت عباسی او می لرزید

که چرا در پی رودی، خود دریا آمد؟

یاد آن دم که رقیه به تمنا آمد

چشم در چشم فرات است و دلش در خیمه



می بینم... می شنوم... صدای قاسم امانت برادر را که شهادت را "احلی من العسل" خواند!

و اما... لحظه، لحظه‌ی بزرگترین مصیبت تاریخ است... خورشید در حال گرفتن است... صدای سم اسبان می آید...

خیل خصم را که سر کبوتر قافله سالار عشق را بر سر نیزه کرده اند و می برند... اما کجا؟! صدای جانسوز زینب، ویرانه

ام می کند، بانویی با غبار خستگی پنجاه ساله اش، نشسته بر دوزانو روبروی بدنی شرحه شرحه، آرام و خاموش با روحی

سترگ و چشمانی رو به آسمان...

او می برید و من می بریدم...

او از حسین سر...

من از حسین دل...

با صدای زمزمه ام به خود می آیم... امان از دل زینب! مگر می شود؟ هم آتش فراق مولا، هم تازیانه،... هم غم غربت،...

هم سرپرست کاروان یتیمان و رنج کشیده ترین طفلان تاریخ...

اللهم عجل لولیک الفرج

باید زمزمه کرد: الهی اُنْشِدْكَ بِدَمِ الْمَظْلُوم!



جریان عاشورا نماد رسیدن از شور به شعور

زینب طالبی

اساس سنن نبوی بودند، اما امویان و ظالمان برنتابیدند و سازش با آنها خلاف صفت شجاعت و حریت بود. با این نگاه، مسئله لعن و بیزاری از ظالمان، جایگاه خود را پیدا می کند که با وجود رافت و دیگرخواهی امام(ع)، عده ای به جهت دنیاخواهی و منفعت طلبی، وجود امام را بر نمی تابند که لعن دائمی، شایسته این افراد است. ظالمان در این جریان، در نقطه اوج رذائل قرار گرفتند، آیا مدعیان مکتب امام حسین(ع)، مصداق انسان ظالم، هر چند در رده های پایین تر نیستند؟ ظلم به نفس، ظلم به دیگران و ... ما وقتی تاریخ را می خوانیم با تمام وجود بر ظالمان می تازیم اما از برخی رفتارهای ظالمانه خود غافلیم.

پیام عاشورا به ما، پیشه کردن انصاف و عدل است. پیام عاشورا به ما، مهربانی است؛ با اینکه برای امام(ع)، پیام دعوت فرستادند، اما لبیکش را قدر ندانستند و ندای "هل من ناصر" را اجابت نکردند، تا آخرین لحظات به قصد هدایت، موعظه شان نمود و برای اینکه عذاب ابدی مشمول آنان نشود، فرمود قبل از اینکه ندای "هل من ناصر ی نصرنی" را بشنوید، از این دیار دور شوید تا اثر وضعی دنیوی و اخروی پاسخ ندادن به امام گریبانتان را نگیرد. این اوج مهربانی و دوستی و خیرخواهی است. ما می توانیم هر چند در سطح پایین تر به اندازه ظرفیت و معرفت خود، مهرورزی را پیشه کنیم؛ بنابراین پیروان و محبان امام حسین علیه السلام باید بیشتر دقت کنند تا در جامعه موثرتر باشند. جریان عاشورا، تمرین مهارت خیرخواهی، دوستی، محبت، دیگرخواهی و در یک کلمه؛ تبلور دانایی ها به توانایی هاست.

قیام عاشورا، حاوی پیام های اخلاقی و انسان سازی است که توجه به آنها بسیار مهم و در زندگی امروز کاربرد دارد. فلسفه آفرینش موجود برتر(انسان)، رسیدن به کمال و انتهای خوبی هاست که انسان های عاشورایی به این انتها رسیدند و قله های انسانیت را فتح کردند. وجود مقدس امام حسین(ع) در جریان کربلا، تبلور همه فضائل انسانی نظیر شجاعت، رافت، آرامش، اطمینان قلبی و ... است. الگوگیری ما از این جریان، این است که با توجه به ظرفیت و توانمندی درونی، این فضائل اخلاقی را در خود ایجاد کنیم. دست یابی به معرفت و شناخت صحیح از شخصیت های این جریان، امکان نیل به این فضائل را در ما فراهم می کند.

عاشورا نماد رسیدن از شور به شعور، حرف به عمل، تکبر به تواضع، ترس به شجاعت و در نهایت، گذر از خود در راه مصلحت و منفعت جامعه و.. است. با تعمق در این مهم، معنای عزاداری واقعی تبیین می شود. عزادار حسین(ع)، عزادار رذائل اخلاقی خود و جامعه است. عزادار حسین(ع)، عزادار مدعیان دروغگوی فضائل انسانی است که شعار اخلاق سر می دهند، اما در عمل، بیراهه می روند و آنجایی که امر دائر می شود بین منافع خود و دیگران، نمی توانند از منافع خود بگذرند و مرتکب رذائل می گردند. این نگاه به جریان عاشورا، فرد و جامعه را می سازد. نه تنها چهره خشونت را از عاشورا منتفی می کند، بلکه بر این باور است عاشوراییان قبل از اینکه وارد دفاع و جهاد شوند، مهربانی را پیشه کردند و درصدد اصلاح جامعه بر



های نوروز موصل

از خاطرات آزاده سرافراز،
حاج حسن نوری

از چند روز مانده به سال نو، فکر و ذکر همه عید بود و جنب و جوش های نوروزی. آسایشگاه تکانی و اتو کردن لباس در زیر پتوها و شستن لباس و پتو و نو کردن وصله های دمپایی ها.

بعضیها هم به رسم سنت های ایرانی، برای سر و سامان دادن به موهای سرشان، پیش محمد صابری و قاسم اصلاح، در کنج اردوگاه می رفتند و آنقدر نوبت بالا میرفت که تا چند روز باید در نوبت می ماندی.

فرقی که آن روزها با روزهای قبل داشت، جمع کردن خمیر نان های سمون بود برای پهن کردن و خشک کردن زیر آفتاب.

ظرف غذا را روی زمین دمر می کردیم و با ته لیوان خمیرها را آرد می کردیم. هنوز صحنه ای که مرحوم خدر قلقلکی نشسته، دو تا پایش را روی زمین باز کرده بود و روی ظرف غذا داشت با ته لیوان خمیر آرد می کرد، عین صحنه ای زنده جلوی چشمم است. از دور که اشاره به زیر بغلش میکردی، از خنده ریشه میرفت؛ با آن تکیه کلام آبادانی اش: ولک می بافمت 😊😊😊

تعدادی در گوشه گوشه آسایشگاهها، در حال خمیر سائیدن بودند تا با آردش بیژی درست کنند. شیرینی هایی کردی که به اندازه یک بند انگشت بود و در سینی حلبی دست ساز چیده میشد برای پذیرایی.

از خالو فریدون خدامرادی کرمانشاهی که خیلی هم خوش اخلاق بود، پرسیدم اصلا بیژی چه معنی دارد و چگونه ساخته می شود؟

او برایم توضیح داد: بیژی در این زمان نوعی شیرینی محسوب می شود و در زبان کردی کردستان یعنی زنده باشی. در واقع در قدیم کسانی که با پای پیاده راه دوری می رفتند برای اینکه از گرسنگی نمیرند، بیژی همراه خود می بردند.

حالا که معنی بیژی را فهمیدم، دیدم قوت لایموت صحرا بوده و نام اصلی آن بژی است یعنی بخور نمیر و این حالا بهترین شیرینی پذیرایی عید نوروز ما شده. یعنی بیژی بجای آجیل، شکلات، میوه، شیرینی، تخم مرغ رنگی و ... یعنی نه کسی به تو عیدی بدهد و نه به کسی عیدی بدهی. نوروزت را با دو سه تا بیژی جشن بگیری! ولی همین هم خدا رو شکر...

ادامه دارد...



حکم قمه زنی از نظر مراجع عظام تقلید

امام خمینی (رحمه الله علیه)

در شرایط و اوضاع کنونی از قمه زدن خودداری شود.

استفتانات، ج ۳، ص ۵۸۳، س

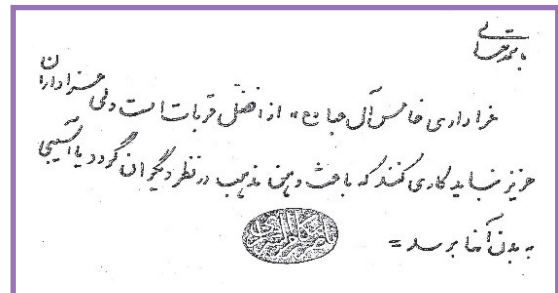
(آیت الله خامنه ای (دام ظلّه العالی)

جایز نیست.



آیت الله مکارم شیرازی (دام ظلّه العالی)

عزاداری خامس آل عبا علیه السلام از افضل قربات است، ولی عزاداران عزیز نباید کاری کنند که باعث وهن مذهب در نظر دیگران گردد یا آسیبی به بدن آن‌ها برسد.

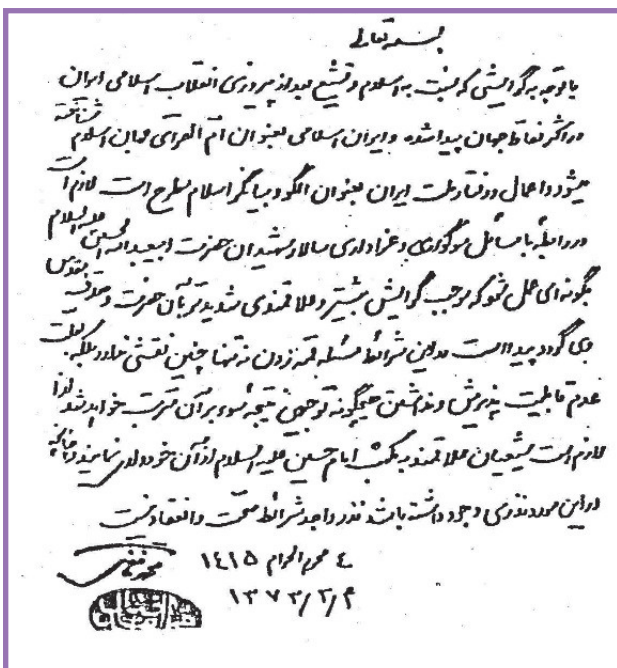


آیت الله نوری همدانی (دام ظلّه العالی)

اشکال دارد.

آیت الله فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه)

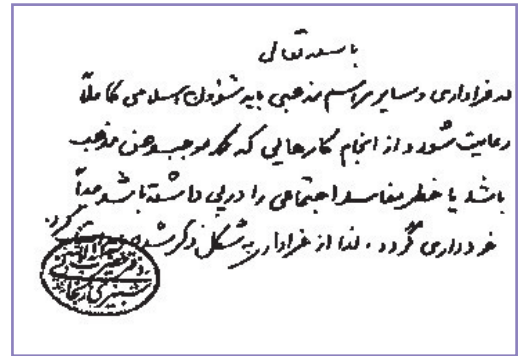
با توجه به گرایش که نسبت به اسلام و تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اکثر نقاط جهان پیدا شده و ایران اسلامی به عنوان ام القرای جهان اسلام شناخته می‌شود و اعمال و رفتار ملت ایران به عنوان الگو و بیانگر اسلام مطرح است، لازم است در رابطه با مسائل سوگواری و عزاداری سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام به گونه‌ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقمندی شدیدتر به آن حضرت و هدف مقدس وی گردد. پیدا است در این شرایط مسئله قمه زدن نه تنها چنین نقشی ندارد، بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و نداشتن هیچ گونه توجیهی نتیجه‌ی سوء بر آن مترتب خواهد شد، لذا لازم است شیعیان علاقمند به مکتب امام حسین علیه السلام از آن خودداری نمایند، و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، نذر، واجد شرایط صحت و انعقاد نیست.



هزار و یک مسأله فقهی، ج ۲، ص ۱۷۹، س ۵۹۷

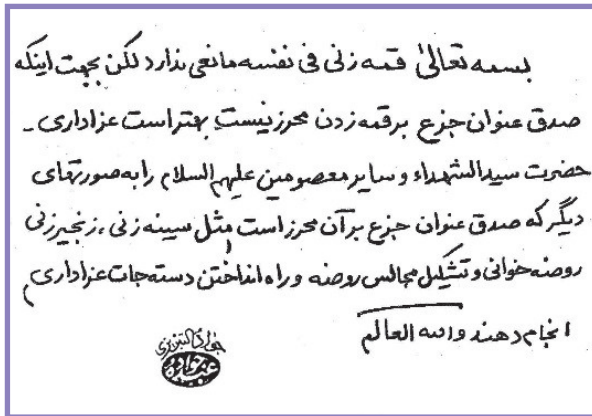
آیت الله شبیری (دام ظلّه العالی)

در عزاداری و سایر مراسم مذهبی باید شئون اسلامی کاملاً رعایت شود و از انجام کارهایی که موجب وهن مذهب باشد یا خطر مفاسد اجتماعی را در پی داشته باشد جداً خودداری گردد، لذا از عزاداری به شکل ذکر شده باید اجتناب کرد.



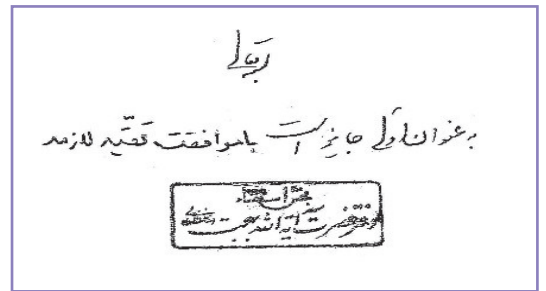
آیت الله تبریزی (رحمه الله علیه)

قمه زنی فی نفسه مانعی ندارد، لکن به جهت اینکه صدق عنوان جزع بر قمه زدن محرز نیست، بهتر است عزاداری حضرت سیدالشهداء و سایر معصومین علیهم السلام را به صورت های دیگر که صدق عنوان جزع بر آن محرز است، مثل سینه زنی، زنجیر زنی، روضه خوانی و تشکیل مجالس روضه و راه انداختن دسته جات عزاداری انجام دهند.



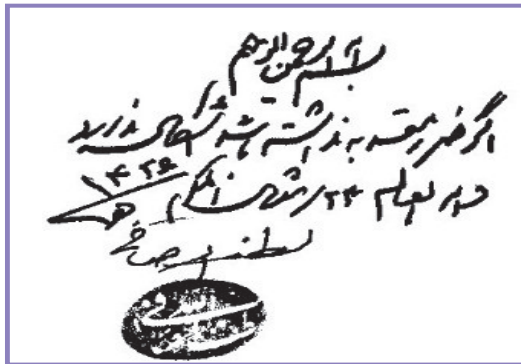
آیت الله بهجت (رحمه الله علیه)

به عنوان اولی جایز است با موافقت تقیه لازم.



آیت الله صافی (دام ظلّه العالی)

اگر ضرر معتدبه نداشته باشد، اشکال ندارد.



آیت الله خوبی (رحمه الله علیه)

اگر منجر به ضرر زیادی نگردد جایز است.

استفتانات، ص ۴۳۳ و ۴۳۴، س ۱۳۶۰



عصر جدید؛ عصر فناوری های ارتباطی

گردآوری توسط: ز.ع

اشکال متنوعی خودنمایی می‌کند. در گذشته انسان‌ها، نیازهای ارتباطی خود را از طریق دوستان و یا هم محله‌ای‌هایشان برطرف می‌کردند؛ اما امروزه دامنه روابط بسیار گسترده شده و نیازی به روابط رودررو نیست. یکی از این امکانات، فضای مجازی است.

در سال ۱۹۸۲ فضای مجازی برای اولین بار توسط ویلیام گیسون (نویسنده کانادایی رمان های علمی تخیلی) مورد استفاده قرار گرفت. برای گیسون، این فضا، یک فضای تخیلی بود که از اتصال رایانه‌هایی پدید آمده بود که تمامی ماشین‌ها، انسان‌ها و منابع اطلاعاتی را در جهان به هم متصل می‌کرد. این معنا را می‌توان مشابه لفظ فضای مجازی که امروزه مورد کاربرد است، در نظر گرفت.

واژه سایبر از ریشه یونانی لغت "کنترل" گرفته شده و به طور ترکیبی در واژه "سایبرنتیک" به کار رفته است. در واژه "فضای مجازی" مفهوم فضا در مقایسه با مفهوم مکان، توصیف و تعریف می‌شود. پس فضای مجازی در هر تعریف و تعبیری، دارای قلمروی وسیع، بدیع و بکر می‌باشد که برای ساکنین خود، امکانات، آزادی‌ها، آسیب‌ها، تهدیدها، فرصت‌ها، دلهره‌ها و محدودیت‌های نوینی را به همراه دارد.

زمینه اصلی ایجاد فضای مجازی با ظهور فناوری با نام اینترنت شکل گرفته و رشد کرد. در سالهای پایانی دهه ۱۹۷۰ شبکه‌های مختلف بر آن شدند تا به صورت شبکه‌ای با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و در سال ۱۹۹۳ میلادی نام اینترنت روی این شبکه گذاشته و رسماً اینترنت متولد گردید.

ویژگی های منحصر بفرد فضای مجازی:

۱. دیجیتال بودن؛ اینترنت بر پایه اعداد و منطق ریاضی است.

علی‌رغم محاسن و مزایای فضای مجازی، با ورود آن به زندگی انسان، دغدغه‌هایی بر جامعه و خانواده وارد کرده است. این مسئله موضوعی است که تقریباً در تمامی جوامع، موضوعیت یافته و به جامعه یا اقلیتی خاص محدود نمی‌شود. به خوبی روشن است که فضای مجازی، مجموعه‌ایست از نکات مثبت و منفی و ما با توجه به مزایای استفاده از این فضا، نباید از تهدیدهای آن غافل شویم.

امروزه روش‌های ارتباطی مردم در سنین مختلف و گروه‌های مختلف اجتماعی از طریق پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه، چت روم‌ها، وب پایگاه‌ها و بازی‌ها رو به افزایش است. فضایی که مردم را از فاصله‌های دور در دنیای حقیقی، باهم مرتبط کرده است. شاید بتوان گفت عیب اصلی این ارتباطات، این است که ارتباط در فضای مجازی، اساساً بر متن استوار است. بنابراین از علائم بصری و شنیداری در تعامل‌های رودررو بی‌بهره است. لذا در عصر حاضر نمی‌توان بدون شبکه‌های اجتماعی زندگی کرد. از این رو شناخت و آموزش بهره‌بری از آن‌ها ضروری است. در نوشتار پیش‌رو ضمن بررسی ویژگی‌ها و ماهیت فضای مجازی، به آثار مثبت و منفی آن در جامعه و همچنین ضرورت رواج سواد رسانه‌ای و ضرورت فیلترینگ در بخش‌هایی از این فضا اشاره می‌شود.

فضای مجازی / سایبری

از جمله نیازهای هر انسانی در هر اجتماعی، برقراری ارتباط با یکدیگر است. این برقراری ارتباط، می‌تواند برطرف‌کننده نیازهای روحی و عاطفی باشد و هم برطرف‌کننده نیازهای مادی انسان.

در عصر فناوری‌های ارتباطی، ارتباطات اجتماعی به صورت

لذا توانایی تغییر و دخالت به خواست کاربر کاملاً ممکن می باشد.

۲. **تعاملی بودن؛** اینترنت، رسانه ای دوطرفه است که هم تولیدکننده متن و هم مصرف کننده آن در این فضا، در ادامه امر تولید با یکدیگر در ارتباط هستند و از یکدیگر تاثیر می پذیرند. این تعاملی بودن، فرصتی را برای کاربران فراهم می سازد تا در برخورد با این فضا، فرصت دخالت آرا و نظرات خود را به طور دائم داشته باشند و همچنین از نظرات دیگران نیز بهره مند شوند.

۳. **دارای حافظه مجازی؛** از مهمترین خصوصیات اینترنت، آزادی انتشار اطلاعات است که این مسئله با سیاست محدودسازی، در تناقض است. در اینترنت امکان دسترسی به هر نوع اطلاعاتی فراهم است.

۴. **فرامتن بودن؛** هرصفحه ای از اینترنت، دارای صدها صفحه است که به دیگر صفحات اینترنتی لینک دارد و به کاربر قدرت گزینش و انتخاب بسیاری می دهد.

۵. **غیرمرکزی بودن؛** هیچ حکومت و مرزی بر فضای اینترنتی حاکم نیست. به همان نسبت که یک جوان آمریکایی در دسترسی به اینترنت آزاد است، یک نوجوان ایرانی نیز از همین حق برخوردار است.

۶. **واقعیت مجازی؛** کاربر در این دنیا می تواند محدودیت های دنیای واقعی را در فضای اینترنت جستجو کند، اما بدون وجود مرزهای دنیای واقعی

پدیده های نو به نام سایبری:

گسترش فناوری های نوین در عرصه های الکترونیک و رایانه در دهه گذشته، موجب بوجود آمدن انواع و اقسام برنامه ها و لوازم الکترونیکی و رایانه های از جمله تلفن همراه، ماهواره، اینترنت و بازی های رایانه ای در جهان شده است. از جمله معجزه این شبکه ها، پتانسیل های مثبت و کاربردهای مفید آن است که جنبه های مختلف زندگی انسان را تحت تاثیر قرار داده است. این امر در جامعه، باعث بروز فرصت هایی جهت افزایش آگاهی

افراد و حتی ایجاد اشتغال برای برخی از افراد کرده است که البته تهدیداتی نیز به همراه دارد.

از جمله آسیب ها و مخاطرات تکنولوژی نوین که موضوعی چالش انگیز است، بعضاً جوانان و نوجوانان را مورد هدف قرار داده این است که این عزیزان به تدریج وابستگی و اعتیاد شدید پیدا می کنند. کم تحرکی، ضعف و سستی و عادت به این سبک و سیاق از زندگی، از بدیهیات تاثیرات مخرب و وابستگی به فضای مجازی محسوب می شود. (برگرفته از: فضای مجازی و آسیب های اجتماعی)

علاوه بر تبعات جسمی، وابستگی و اعتیاد به فضای مجازی با مشکلات روحی و روانی خاصی نیز همراه است. مشکلات میان اعضای خانواده، انزوای طلبی و فردگرایی افراطی، محرومیت از ارتباط سالم و سازنده میان اعضای خانواده، عامل ناهنجاری ها و چالش های اجتماعی به شمار می رود.

ما شاهد گرایش نوجوانان به چتروم ها، عشق های مجازی، کلاهبرداری و سوءاستفاده از دختران و پسران با ارائه شخصیت های دروغین، ازدواج های اینترنتی، هرزنگاری، سرقت اطلاعات و اخاذی هستیم که متأسفانه در فضای مجازی و فناوری های نوین، روزانه رخ می دهد. هرچند به موازات آن، آثار مثبتی مانند به روز کردن اطلاعات، بهره برداری از مطالب علمی و دسترسی به فناوری های روز را نیز شاهد هستیم.

آسیب های نو به چندگروه تقسیم می شوند:

۱- شبکه های اجتماعی و فضای مجازی به عنوان مهمترین فناوری نوین، که جامعه را تهدید می کنند.

۲- فیلم ها، انیمیشن ها و محصولات رسانه ها

۳- اعتیادهای نوین به مواد مخدر جدید و استعمال متفاوت

آن ها

۴- گرایش به جریانات انحرافی نوظهور مانند گروهک های مختلفی که شکل گرفته و در حال افزایش هستند.



پیشگیری و کنترل آسیب‌های اعتیاد اینترنتی

در اینجا سعی می‌شود تا مجموعه‌ای از توصیه‌ها و روش‌های کاربردی به مخاطب، برای تسهیل فرایند پیشگیری و مقابله با پدیده اعتیاد اینترنتی کمک شود.

مهارت مدیریت زمان

زمان مانند اسب چموش است! سوارکار اگر حرفه‌ای باشد، مرکب رام شده و با سرعت می‌تازد و بهترین بهره‌ها را فراهم می‌سازد. اما اگر مرکب، بر سوارکارش امیری کند، آن وقت افسارپاره می‌کند و از صاحبش نیز سواری می‌گیرد. تعدیل و استفاده کنترل شده از اینترنت، یکی از محورهای مورد توجه است. در درمان این اعتیاد باید از "فنون مدیریت زمان" که به تشخیص، سازماندهی و مدیریت زمان صرف شده به صورت آنلاین به کاربران کمک می‌کنند؛ استفاده کرد. بنابراین با مدیریت و کنترل زمان می‌توان از وابستگی به فضای مجازی پیشگیری نمود.

با رعایت موارد زیر، فرد می‌تواند به خود کمک کند تا بتواند زمان مصرفی را در فضای مجازی مدیریت و بهینه نماید:

۱. شناخت خود: فرد بداند نقاط ضعف و قوتش در فضای مجازی کجاست. مثلاً وسوسه شدن برای دیدن ویدئوهای جالب، ناتوانی در نه گفتن به شروع گفت و گویی غیرمهم در فضای چت، احساس تنهایی و ...



۲. اولویت بندی کارها:

کابر باید اولویت‌های خود را بشناسد و کارهای خود را از نظر اهمیت و فوریت دسته بندی کند. کارها در چهار گروه طبقه بندی می‌شوند: (۱) مهم و فوری (۲) غیرمهم و فوری (۳) مهم و غیرفوری (۴) غیرمهم و غیرفوری

۳. دوری از کارهای "وقت تلف کن":

گشت‌وگذار در شبکه‌های اجتماعی، لایک کردن، لطیفه خواندن و بازدیدهای بی‌هدف از صفحات تمام نشدنی؛ تقریباً کل زمان مفید برای انجام کارهای دو گروه قبلی را هدر می‌دهد.

در اعتیاد به اینترنت، معمولاً تمام کارهای دیگر تعطیل شده و همه اهداف زندگی در اینترنت خلاصه می‌شود.

۴. فهرست کردن کارهای روزانه براساس اولویت:

اولویت‌ها را باید روی صفحه کاغذ یا یادآورگوشی همراه یادداشت کرد تا جلوی چشم باشد. به محض گیرافتادن در تله اینترنت، مشاهده این فهرست، زنگ هشدار و بازگشت به فعالیت‌های مهم خواهد بود. با این عمل، زمان حضور در فضای مجازی مدیریت می‌شود.

این مطلب ادامه دارد. در شماره بعد آن را دنبال کنید

منبع: مقاله فرصت‌ها و چالش‌های فضای مجازی در عرصه تعلیم و تربیت

اخبار معاونت آموزش

جذب طلبه در رشته تربیت دینی کودک و نوجوان در مقطع سطح سه در مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س)

مدیر مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) از تاسیس رشته تربیت دینی کودک و نوجوان در مقطع سطح سه در این مرکز، خبر داد.

خانم زینب طالبی با اشاره به ایجاد رشته های جدید در این مرکز بنا بر تقاضا و ضرورت های موجود گفت: رشته تربیت دینی کودک و نوجوان براساس تصمیم مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران در این مرکز ایجاد شد و اولین گروه از خاوران طلبه در مقطع سطح سه برای ترم تحصیلی ۹۸-۹۹ جذب شدند.

وی همچنین از پذیرش طلبه در مقطع سطح چهار خبر داد و اظهار داشت: برای ترم بهمن ماه نیز در مقطع سطح چهار در رشته های کلام اسلامی و تفسیر تطبیقی پذیرش داریم.

اشتغال به تدریس بالغ بر نود درصد فارغ التحصیلان مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) در شهرهای مختلف

براساس اعلام معاونت آموزش مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س)، از میان ۴۲۰ طلبه در این مرکز، حدود سیصد نفر فارغ التحصیل شده اند. از میان این تعداد، حدود نود درصد آنها اشتغال به تدریس در شهرهای مختلف دارند. از میان طلاب سطح چهار نیز، همه آنان تجربه تدریس داشته و دارند.

اخبار معاونت پژوهش

برگزاری ۱۷۰ جلسه دفاع پایان نامه در مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) تا پایان شهریور ماه ۹۸

معاون پژوهش مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) با اشاره به اینکه از سال ۱۳۹۳ تا کنون، ۱۷۰ دانش پژوه از پایان نامه شان دفاع کرده اند، اظهار داشت: پایان نامه های دفاع شده در گرایش های تفسیر و علوم قرآن، مدرس ادبیات عرب، فلسفه اسلامی، فقه و اصول، کلام اسلامی، مطالعات اسلامی زنان و اخلاق و تربیت اسلامی بوده است.

خانم لیلا صابری در ادامه تصریح کرد: دانش پژوهان ورودی سال ۹۵، ترم گذشته دروس خود را به پایان رسانده و مشغول واحد پایان نامه هستند.



کتاب "علامه جعفری؛ ستاره ای از کهکشان فلسفی" تالیف نرگس عبداللهی؛ از طلاب مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س) منتشر شد

کتاب "علامه جعفری؛ ستاره ای از کهکشان فلسفی" نوشته نرگس عبداللهی، برگرفته از پایان نامه سطح سه ایشان با عنوان «اندیشه های فلسفی علامه محمدتقی جعفری (رحمت الله علیه)» از سوی انتشارات سرای کتاب، چاپ و منتشر شد.

خانم عبداللهی از طلاب دانش آموخته مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) در رشته فلسفه اسلامی ورودی ۱۳۹۰، مرداد سال گذشته از پایان نامه خود دفاع کردند.

در این کتاب به مباحثی چون هستی شناسی و خداشناسی، معرفت شناسی، انواع شناخت، انسان شناسی و بحث فلسفه های مضاف پرداخته شده است.

کتاب "علامه جعفری؛ ستاره ای از کهکشان فلسفی" در ۲۸۸ صفحه به بهای سی هزار تومان، در شمارگان ۵۰۰ نسخه در شهریور ۹۸ چاپ شده است.



سه پایان نامه از گروه کلام اسلامی ورودی سال ۹۴ دفاع شد

با گذشت یکسال از پایان واحدهای آموزشی گروه کلام اسلامی ورودی سال ۹۴، سه دانش پژوه این رشته، موفق شدند در تابستان سال ۹۸ از پایان نامه خود دفاع کنند.

نخستین پایان نامه از گروه کلام ۹۴ با عنوان «بررسی آراء کلامی آیت الله جوادی آملی پیرامون توحید» توسط خانم فومن بهجت، از طلاب فعال و تلاشگر گروه کلام اسلامی بود که در تیرماه با کسب رتبه عالی دفاع شد. راهنمایی پایان نامه وی را حجت الاسلام مهدی زندیه، و داوری جلسه دفاع را حجت الاسلام محمد عظیمی، برعهده داشتند.

دومین پایان نامه متعلق به خانم لطیفه گل محمدزاده، با عنوان «رابطه انسان و خدا (عبودیت، محبت و عشق)» با تاکید بر آرای احمدغزالی و آیت الله جوادی آملی» در رشته کلام اسلامی با راهنمایی حجت الاسلام محمد سوری و داوری آقای ابراهیم علیپور بود. وی نیز رتبه عالی کسب کرد.

خانم سحر حیدری دانش پژوه گروه یادشده، نیز به عنوان سومین دانش پژوه از پایان نامه خود با عنوان «تصحیح، تحقیق تذکره الواصلین فی شرح نهج المسترشدين فی اصول الدین همراه با مقدمه» با کسب نمره عالی دفاع کرد. راهنمایی این پایان نامه را آقای محمدرسول ملکی و داوری آن را آقای محمد سوری برعهده داشتند.

پایان نامه خانم کلثوم احمدی، دانش پژوه فلسفه اسلامی با موضوع جدید و بدون پیشینه فلسفی با عنوان «بررسی آراء فلسفی ابو یوسف بن اسحاق کندی» با کسب رتبه عالی درخشید

جلسه دفاعیه پایان نامه خانم کلثوم احمدی با عنوان «بررسی آراء فلسفی ابو یوسف بن اسحاق کندی» در رشته فلسفه اسلامی با راهنمایی آقای ابراهیم علیپور و داوری آقای علیرضا آل بویه در ۱۳ شهریور ۹۸ با حضور معاون و کارشناس پژوهش این مرکز و جمعی از طلاب برگزار شد.

در این جلسه، آقای آل بویه، استاد داور، با اشاره به نقاط قوت پایان نامه تصریح کرد: در این پایان نامه سعی شده از نقل قول مستقیم، کمتر استفاده شود و نویسنده در بیشتر مواقع، دیدگاه خود را منعکس کرده است. ایشان در ادامه برخی نکته ها را متذکر گردید.

در ادامه، استاد راهنمای پایان نامه، با تقدیر از پشتکار و تلاش بسیار خانم احمدی در نگارش و تصحیح و اصلاح پایان نامه، این پایان نامه را دارای محتوایی غنی توصیف کرد و افزود: اگر اشکالات آن برطرف شود، جزو رساله هایی است که با یک ویراستاری علمی خوب قابلیت چاپ دارد. بنده در تدریس و ارائه هایی که در این موضوع داشتم، از محتوای این پایان نامه استفاده کردم.



برنامه های معاونت پژوهش برای سال تحصیلی آینده:

۱. نقد تحقیقات پایانی توسط دانش پژوهان با نظارت معاون پژوهش

۲. برگزاری کارگاه های:

- مبانی پژوهش
- کارگاه مقاله نویسی و داوری مقاله
- کارگاه کارورزی با رویکرد پایان نامه نویسی
- کارگاه آشنایی با سایت های پژوهشی
- کارگاه طراحی پوستر، بروشور و...
- کارگاه متن خوانی با همکاری معاونت آموزش



مراسم گرامیداشت هفته دفاع مقدس، همراه با شور حسینی و اهدای هزینه سفر به عتبات عالیات به طلاب

به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس و یاد و خاطره شهدای والا مقام، مراسمی به همت معاونت فرهنگی مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) در سالن همایش این مرکز برگزار شد.

در این مراسم، آقای مجتبی سیاری، از راویان دفاع مقدس، در سخنانی به یاد و خاطره و سیره زندگی شهدا اشاره کرد و از طلاب خواست تا پویایی با محوریت جلسات شهید شناسی ایجاد کنند و ضمن زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا، آنان را به نسل جدید خوب معرفی کنند، زیرا تاثیر زیادی خواهد داشت. از دیگر برنامه های ویژه این مراسم، قرعه کشی از بین طلاب برای دریافت هزینه سفر به عتبات عالیات بود که با استقبال پر شور و حال و هوای عشق حسینی همراه شد که به قید قرعه، به ده نفر هزینه کامل و به دونفر کمک هزینه سفر به عتبات عالیات برای اربعین حسینی از سوی بانی خیر اهدا شد. خاطرنشان می شود در محوطه مرکز، به مناسبت هفته دفاع مقدس، یادمانی از شهدا ساخته شده و ضمن پخش مداحی، از طلاب پذیرایی شد.



معاون فرهنگی مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) از برگزاری برنامه ورزش در این مرکز خبر داد

خانم عزیزی با اشاره به شعار فرهنگی در سال تحصیلی جدید با عنوان "شادابی و نشاط، آراستگی و بهداشت، ورزش و سلامتی" گفت: با توجه به این هدف، در سال تحصیلی جدید، کلاس ورزش در رشته پیلاتس برای طلاب برگزار می شود. این کلاس روزهای یکشنبه و سه شنبه با مربیگری خانم جوادی برپا می شود.



برگزاری جشن دانش آموختگی فارغ التحصیلان گرایش های فلسفه اسلامی، کلام اسلامی و اخلاق اسلامی مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س)

جشن دانش آموختگی فارغ التحصیلان گرایش های فلسفه اسلامی، کلام اسلامی و اخلاق اسلامی مرکز تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (س) ورودی سال ۹۵ با حضور مدیر، کارمندان، فارغ التحصیلان و طلاب مرکز تربیت مدرس، در تیرماه در سالن همایش این مرکز برگزار شد.

در این مراسم، خانم طالبی، مدیر مرکز تربیت مدرس و خانم عزیزی، معاون فرهنگی این مرکز، توصیه هایی به دانش آموختگان داشتند. در ادامه مراسم؛ کلیپی از حضور طلاب در برنامه های مختلف در طول سالهای تحصیلشان در مرکز تربیت مدرس پخش شد و دو تن از طلاب دلنوشته ای با چاشنی طنز قرائت کردند. در پایان از طلاب فعال و نمونه در زمینه های آموزش، پژوهش و فرهنگی تجلیل به عمل آمد و به همه دانش آموختگان هدایایی تقدیم شد.



اعلام برنامه های متنوع در تابستان برای طلاب

- اعلام فراخوان مسابقه کتابخوانی از کتاب انسان ۲۵۰ ساله در تابستان ۹۸
- ثبت نام برای شرکت در دوره های طرح تشکیل گروه های تبلیغ نوین
- ثبت نام کلاس های زبان انگلیسی و عربی
- برگزاری مرحله دوم آموزش ICDL با تخفیف ۵۰ درصدی برای طلاب و دانش آموختگان
- اعلام ثبت گزارشات فعالیت های مبلغان در طرح اوقات فراغت و ماه ذی الحجه
- ثبت نام دوره آموزشی ویژه طلاب داوطلب برای کمک رسانی به بانوان آسیب دیده در سوانح و حوادث طبیعی

